

## دیدگاه‌های نوین در راهبردهای توسعه: تجارب آسیای جنوب شرقی

محمدعلی خطیب

ادموند میرزا خانیان

ماندا شمیرانی



چکیده: توسعه سریع اقتصادی در کشورهای آسیای جنوب شرقی یکی از موضوعات مورد علاقه محققین و اندیشمندان علوم سیاسی و اقتصادی در سالهای اخیر بوده است. مطالعه تاریخ توسعه در این کشورها نشان می‌دهد که غیر از شرایط سیاسی و بین‌المللی مساعد برای رشد این کشورها، برنامه ریزی دقیق، منسجم، و طولانی مدت از سوی حکومت نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی-اجتماعی داشته است. این مقاله با بررسی راهبردهای توسعه در چهار کشور کره جنوبی، تایوان، اندونزی، و مالزی که اصول آنها در برنامه ریزیهای کلان این کشورها مورد توجه بوده است، نشان می‌دهد که چگونه اتخاذ راهبردهای مناسب می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند.

### مقدمه

روند بازسازی اقتصادی کشورهای تایوان، کره جنوبی و سنگاپور در سه دهه گذشته و کشورهای اندونزی و مالزی طی سالهای دهه هشتاد و نیمه اول دهه نود گویای عملکرد راهبردهای توسعه اقتصادی پویا و تلفیق سیاستهای جایگزینی واردات (import

(Substitution) و توسعه صادرات (export promotion) در مراحل مختلف این روند می‌باشد.

راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات در این کشورها نه تنها به عنوان دو سیاست متضاد مطرح نبوده، بلکه به عنوان دو راهبرد مکمل که بر پایه افزایش تولید به موازات افزایش تقاضا در داخل و خارج برای تولیدات قرار گرفته است، زمینه را جهت تشخیص بهینه منابع انسانی، و مالی با استفاده از مزیت‌های موجود این کشورها به صورت پویا فراهم ساخته است. طبیعی است انتخاب درست راهبردهای توسعه اقتصادی در هر مرحله از توسعه، به مدیریت منابع امکان داده است که از منابع و شرایط تولید به نحوی بهره‌برداری شود که امکان دستیابی به اهداف سیاست‌های اقتصادی حاصل گشته و شرایط برای مقابله با شوک‌های درون‌زا و برون‌زای اقتصادی مهیا گردد.

تحولات اقتصادی کشورهای شرق آسیا و به خصوص کشورهای ذکر شده نشان می‌دهد که این کشورها پس از دوره کوتاهی از به کارگیری سیاست جایگزینی واردات، سیاست توسعه صادرات را، همراه با توسعه بازار داخلی در پیش گرفتند تا بدین وسیله به موازات افزایش تولیدات، منابع تأمین هزینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف تولیدی و در مراحل مختلف تولیدی فراهم گردد (البته این حرکات در کشورهای تایوان و کره جنوبی تقریباً همزمان بوده و در کشورهای مالزی و اندونزی با اختلاف زمانی انجام گرفته و تداوم نیز داشته است).

راهبردهای توسعه که در مراحل مختلف در برنامه ریزی این کشورها تبلور یافته، کوششی است در جهت افزایش پویای تولیدات به موازات افزایش پویای تقاضا با تخصیص منابع داخلی و خارجی و گسترش بازار داخلی همراه با افزایش اشتغال، درآمد، و توسعه بازار خارجی برای محصولات و دستیابی به مزیت در تولید به منظور استفاده بهینه از مزیت‌های موجود؛ زمینه لازم جهت تقسیم کار منطقه‌ای نیز ایجاد گردیده که حاصل این تقسیم کار، همگرایی اقتصادی در منطقه خواهد بود.

پیامد روند آزاد سازی اقتصادی در این کشورها افزایش چشمگیر رشد اقتصادی فراگیر و مستمر، افزایش میزان اشتغال، افزایش تولیدات صنعتی داخلی در صادرات، ثبات مستمر در نرخ ارز و افزایش قابل توجه نرخ تشکیل سرمایه و سهم آن در تولید ناخالص ملی این کشورها است. از این جهت شناخت تک تک این کشورها و تجارب آنها می‌تواند از سویی زمینه بحث‌های

نو را در راهبردهای توسعه اقتصادی ایران مطرح سازد و شرایط برای شناخت نقاط قوت و ضعف الگوهای توسعه این کشورها را فراهم کند. از سوی دیگر شناخت راهبردهای توسعه کشورهای کره جنوبی، تایوان، اندونزی و مالزی خارج از دیدگاه‌های نظری حاکم در بحث‌های توسعه اقتصادی می‌تواند زمینه را برای بازنگری در الگوی توسعه اقتصادی فراهم سازد. در این بررسی مراحل توسعه اقتصادی هر یک از این کشورها با توجه به برنامه‌های توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و نتایج هر فاز در قالب شاخص‌های اقتصادی ارزیابی گردیده است.

در سطور ذیل کشورهای کره جنوبی، تایوان، اندونزی و مالزی به طور مجزا مورد بررسی قرار خواهند گرفت. از آنجایی که طبق نظر اندیشمندان اقتصادی در میان کشورهای مذکور، کره جنوبی از نظر موفقیت‌های اقتصادی مقام اول را داراست شایسته است سرآغاز بحث قرار گیرد.

### کره جنوبی

کره جنوبی برای آغاز فعالیت توسعه‌ای خود در زمینه اقتصاد به توسعه صنعتی - تکنولوژیکی روی می‌آورد و برای تحقق این اهداف از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۱ شش برنامه توسعه صنعتی - تکنولوژیکی را به اجرا درآورد. اجرای این برنامه‌ها و اتخاذ راهبردهای مختلف به کار گرفته شده کشور کره را به شکل کنونی خود مبدل ساخته است.

در ابتدا به راهبردهای توسعه اقتصادی بعد از دهه ۱۹۶۰ اشاره‌ای می‌شود و سپس به تفصیل برنامه‌های توسعه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین راهبرد توسعه اقتصادی بعد از دهه ۱۹۶۰ راهبرد جایگزینی واردات می‌باشد که با توجه به کمبود تقاضا به علت گسترده بودن فقر و عدم توانایی رقابت کالاهای تولید شده در بازار جهانی این راهبرد جای خود را به راهبرد توسعه صادرات می‌دهد. شایان ذکر است که تمامی موفقیت‌های امروزی کره جنوبی را نمی‌توان مرهون اتخاذ راهبرد توسعه صادرات به تنهایی دانست بلکه به کارگیری سیاست جایگزینی واردات و توسعه صادرات به طور همزمان و با یک رابطه انداموار یعنی تخصیص صحیح منابع به منظور دستیابی به مزیت‌هاست که این موفقیت‌ها را به همراه داشته است.

کره جنوبی اولین برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی خود را از سال ۱۹۶۲ آغاز می‌کند که تا سال ۱۹۶۶ ادامه داشته است. طی این برنامه راهبرد جایگزینی واردات به اجرا در می‌آید و سیاست‌هایی چون متعادل ساختن ساختار اقتصادی و توسعه صنایع زیربنایی، به کارگیری مؤثر

منابع بلا استفاده و توسعه تکنیکی به وقوع می‌پیوندد که با توجه به اقدامات انجام شده رشد قابل توجهی در بخشهای مختلف اقتصاد و نهایتاً بهبود تراز پرداختها حاصل می‌گردد.

دومین برنامه ۵ ساله توسعه صنعتی - تکنولوژیکی کره که همان پیشین برنامه اول بر آن حاکم است، هدف خود را نیل به خودکفایی در غلات و توسعه جنگلداری و ماهیگیری قرار می‌دهد و در کنار آن پیشرفت تکنولوژی و افزایش بهره‌وری مورد توجه قرار می‌گیرد. در این برنامه کسری تراز پرداختهای کره کاهش می‌یابد. اقتصاددانان اجرای دو برنامه اول و دوم توسعه صنعتی کره را دوره رشد سریع اقتصادی (۱۹۶۲-۱۹۷۱) نامیده‌اند که پس از دوره نوسازی صنایع به اجرا درآمد.

سومین برنامه توسعه صنعتی کره از سال ۱۹۷۲ به اجرا درمی‌آید و تا سال ۱۹۷۶ ادامه می‌یابد. در این برنامه، بهبود ساختار اقتصادی و ساختار صنعتی، توسعه تکنولوژی و منابع انسانی، رفاه عمومی و بهبود تراز پرداختها مورد توجه قرار می‌گیرد.

در چهارمین برنامه توسعه صنعتی تکنولوژیکی کره که از ابتدای سال ۱۹۷۷ به مرحله اجرا درآمد، کره سیاست توسعه خود را بر مبنای راهبرد توسعه صادرات بنا می‌کند و از این برنامه به بعد راهبرد غالب سیاست توسعه صادرات می‌باشد.

چهارمین برنامه توسعه اقتصادی کره (۱۹۷۷-۱۹۸۱) با عنایت به اهدافی همچون تأمین منابع سرمایه‌گذاری برای داخل، افزایش رقابت‌پذیری در صحنه‌های بین‌المللی، افزایش سرمایه‌گذاری در علوم و تکنولوژی، پیشرفت در مدیریت اقتصادی، استفاده از مزیت‌های اکتسابی برای بهبود شرایط زندگی و افزایش فرصتهای شغلی به اجرا گذاشته می‌شود و برای اولین بار در تاریخ اقتصادی کره این کشور به مازاد تجاری در موازنه پرداختها دست می‌یابد و طی این دوران صادرات کره به طور متوسط رشدی معادل ۶۰ درصد به قیمت ثابت سالانه دارد.

برنامه پنجم کره با ثبات سیاستهای توسعه‌ای همراه بود و از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ ادامه داشت. این برنامه اهداف زیر را تعقیب می‌نمود: مهار تورم، بالا بردن سطح رقابت‌پذیری در صنایع سنگین، تثبیت سیاست کشاورزی، بهبود نظام مالیاتی و مالی، تعدیل عملکرد دولت و افزایش کارایی در مدیریت. نکته قابل توجهی که بعد از برنامه پنجم به چشم می‌خورد جایگزین شدن کنترل دولتی اقتصاد با کارایی اقتصادی مبتنی بر فعالیت آزاد و بر پایه خلاقیت و ابتکار بخش خصوصی و سازوکار بازار (بازاری شدن اقتصادی) است.

ششمین برنامه توسعه کره که از سال ۱۹۸۷ تا سال ۱۹۹۱ ادامه می‌یابد هدف خود را بر پایه رشد از طریق ثبات قرار می‌دهد. در این برنامه توسعه متوازن منطقه‌ای و توزیع نامتعادل ثروت اهمیت ویژه‌ای دارد و پیشرفت تکنولوژیک و آموزش نیروی کار متخصص از عمده اهداف این برنامه می‌باشد.

قابل ذکر است که کره برای رسیدن به اهداف توسعه‌ای خود بعد از برنامه چهارم اقدامات ذیل را در چهارچوب سیاست گسترش صادرات انجام داده است:

- ۱ - حمایت مستقیم (اعتبار برای صادرات کالاهای منتخب)؛
  - ۲ - ایجاد نظام مناسب جهت واردات کالاهای مرتبط با صادرات؛
  - ۳ - قایل شدن اولویتهای مالی برای توسعه صادرات؛
  - ۴ - حذف یا کاهش مالیات بر درآمدهای حاصل از صادرات؛
  - ۵ - گسترش و افزایش فعالیتهای شرکت‌های تولید کننده کالاهای جدید صادراتی؛
  - ۶ - تقویت شبکه‌های فروش کالا در خارج و نیز کشف بازارهای جدید صادراتی؛
  - ۷ - تجدید سازمان و تقویت نظام حمایت از صادرات؛
  - ۸ - کاهش ارزش پول ملی (devaluation) به منظور تشویق صادرات.
- بنابر آنچه به عنوان چشم‌اندازی بر برنامه‌های توسعه اقتصادی و مراحل توسعه کره در سطور فوق گذشت، عملکرد هر برنامه در قالب حقایق موجود پرداخته می‌شود و شاخصهای اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در ابتدا شاخص صادرات کره مورد بررسی قرار می‌گیرد (نمودار شماره ۱). آنچه در این نمودار به عنوان صادرات کل مشاهده می‌شود از جمع صادرات صنعتی نفتی (سوخت) و صادرات مواد اولیه غیر نفتی تشکیل شده است. در این نمودار مشاهده می‌شود که بیشترین سهم کل صادرات کشور کره را صادرات صنعتی تشکیل می‌دهد و سهم صادرات نفتی و غیر نفتی اولیه کاملاً ناچیز است. در این میان نکته حائز اهمیت شکاف بین صادرات مواد اولیه غیر نفتی و صادرات صنعتی است که در سال ۱۹۷۲ بسیار ناچیز و در سال ۱۹۹۲ بسیار قابل ملاحظه است. این فرآیند، یعنی تخصیص صادرات به صادرات صنعتی، روند کسب مزیت نسبی در

صحنه جهانی را به اثبات می‌رساند و نشان می‌دهد که کشور کره جنوبی با اتخاذ راهبرد توسعه صادرات به خوبی توانسته است چنین رشد صنعتی‌ای در زمینه صادرات داشته باشد. دومین مطلب قابل توجه سرعت افزایش صادرات کره بعد از سال ۱۹۷۲ می‌باشد. همان گونه که در برنامه‌های توسعه کره اشاره شد. بعد از برنامه چهارم اتخاذ راهبرد توسعه صادرات در دستور کار قرار می‌گیرد و ملاحظه می‌شود که تا سال ۱۹۷۷ رشد صادرات از سرعت نسبتاً کمی برخوردار است و بعد از آن شتاب نسبتاً سریعی به خود می‌گیرد. مطلب دیگر آنکه کره توانسته است در مدتی کمتر از ۲۰ سال صادرات خود را از یک میلیارد دلار به حدود ۸۰ میلیارد دلار افزایش دهد و این امر صرفاً با اتخاذ راهبرد توسعه صادرات (صادرات صنعتی) امکان پذیر شده است.

برای روشن شدن مطلب فوق‌الذکر شاخص سهم صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد (نمودار شماره ۲). طی برنامه اول (۱۹۶۷-۱۹۶۳) که راهبرد جایگزینی واردات اعمال می‌گردد. سهم واردات از تولید ناخالص داخلی نسبت به سهم صادرات بیشتر است، اما هر کدام از رشد نسبتاً مطلوبی برخوردار هستند. این روند در برنامه دوم که مرحله پیشرفته جایگزین واردات بوده نیز حفظ شد اما در برنامه سوم (۱۹۷۷-۱۹۷۲) با حفظ روند مزبور شکاف بین این دو کم گردید و بعد از برنامه چهارم که راهبرد غالب، راهبرد توسعه صادرات می‌باشد این شکاف کمتر می‌گردد، به طوری که بعد از سال ۱۹۸۴ سهم صادرات از تولید ناخالص ملی بیشتر از سهم واردات می‌شود.

برای توجیه بیشتر، شاخص دیگری به نام سهم تولیدات کارخانه‌ای در صادرات کره مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (نمودار شماره ۳). سهم تولیدات کارخانه‌ای در طول برنامه سوم با نوساناتی روبرو بوده است، اما بعد از سال ۱۹۷۷ که راهبرد غالب توسعه صادرات می‌گردد مشاهده می‌شود که سهم تولیدات کارخانه‌ای رشد قابل ملاحظه‌ای داشته و تداوم آن تا برنامه‌های پنجم و ششم نیز حفظ می‌شود.

حال شاخص واردات کالاها و خدمات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. همان گونه که در نمودار شماره ۴ منعکس گردیده است. واردات کالاها و خدمات رشد صعودی دارد. صعودی بودن واردات از آنجا می‌باشد که درآمدهای ارزی بالا رفته و این در حالی است که واردات خود تابعی از درآمد است، اما آنچه مورد توجه است شتاب بیش از حد سالهای ۱۹۸۶-۱۹۸۵ است. در این سالها عموماً کشور کره کالاها و خدماتی را وارد می‌کند که در جهت صادرات به خدمت گرفته می‌شود و در این راستا با راهبرد توسعه صادرات هماهنگ عمل می‌نموده است.

از طرفی شاخص سهم تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص ملی (در نمودار شماره ۵) سیری صعودی داشته و همگام با توسعه اقتصادی این کشور حرکت نموده است.

به موازات انتخاب مراحل توسعه و اعمال راهبرد توسعه صادرات درآمد داخلی افزایش می‌یابد و موجب گسترش بازار داخلی می‌گردد. همچنانکه از نمودار شماره ۶ مشخص است، روند درآمد سرانه صعودی و از سالهای ۱۹۸۷ به بعد از شتاب فوق‌العاده‌ای برخوردار است. آنچه درخور توجه است آنکه کشور کره توانسته است در مدتی در حدود ۲۰ سال درآمد سرانه‌اش را از کمتر از هزار دلار به چیزی نزدیک به ۷ هزار دلار برساند.

آنچه در بررسی این شاخص از اهمیت ویژه برخوردار است، متعادل شدن توزیع درآمدها هماهنگ با افزایش درآمد سرانه است. اگر این شاخص بدون توجه به توزیع درآمدها و صرفاً به تنهایی مورد بررسی قرار گیرد، نمی‌تواند شاخص مناسبی برای توسعه اقتصادی قلمداد شود. بلکه بررسی این شاخص با توزیع درآمدها است که می‌تواند روند توسعه یافتگی را مشخص نماید. همان‌گونه که از جدول شماره یک پیداست در روند سالهای توسعه شکاف درآمد بین گروه‌های پردرآمد و کم درآمد کمتر شده و توزیع درآمدها متعادل گردیده است.

## تایوان

کشور تایوان راهبرد توسعه اقتصادی خود را به طور مشخص از ابتدای دهه ۱۹۵۰ آغاز می‌کند. این راهبردها را می‌توان به سه مرحله عمده تقسیم نمود که ذیلاً بدانها اشاره خواهد شد.

### ۱ - مرحله جانشینی واردات

این راهبرد در برنامه اول توسعه اقتصادی دولت (۱۹۵۳-۱۹۵۶) به طور جدی در پیش گرفته می‌شود و حمایتها و کنترل‌های تعرفه‌ای شدیدی بر واردات اعمال می‌گردد. در این سالها سیاستهای خودکفایی و تکیه بر بازار داخلی نکته مورد توجه دولت محسوب می‌شود.

در این مرحله نظام چند نرخ ارز و نرخ بهره بالا بر اقتصاد حاکم است. در بخش مالی نیز طرح تقویت نظام مالیات بر درآمد مطرح می‌گردد. در سال ۱۹۵۵ قانونی به منظور جذب سرمایه‌گذاری به تصویب می‌رسد.

متوسط نرخ رشد تولید ناخالص ملی در برنامه مذکور به قیمتهای ثابت به حدود ۸٪ بالغ می‌گردد. طی برنامه دوم توسعه اقتصادی تایوان (۱۹۶۰-۱۹۵۷) رفته رفته برون‌گرایی در

اقتصاد این کشور شکل می‌گیرد، به طوری که از تعرفه‌های گمرکی اندکی کاسته می‌شود و صنایع صادراتی مشمول دریافت وام با بهره پایین می‌شوند. در سال ۱۹۵۹ نیز دولت یک برنامه نوزده موردی برای اصلاحات اقتصادی و مالی مطرح می‌سازد و در سال ۱۹۶۰ قانون تشویق سرمایه‌گذاری را به تصویب می‌رساند.

## ۲ - مرحله توسعه صادرات

از اوایل دهه شصت، راهبرد توسعه صادرات مد نظر مسؤولان کشور قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که توجه دولت تایوان به راهبرد اخیر را نمی‌توان به معنی طرد راهبرد جایگزینی واردات تلقی نمود. بلکه نگاهی گذرا بر سیر توسعه اقتصادی این کشور نشان می‌دهد که تلفیقی از این دو راهبرد در این سالها اعمال گردیده است. رشد اقتصادی به قیمت‌های ثابت طی سالهای برنامه توسعه دوم در حدود ۷٪ می‌باشد. آنچه طی این برنامه اهمیت دارد تغییر مرحله جایگزینی واردات به توسعه صادرات است. در برنامه سوم توسعه (۱۹۶۴-۱۹۶۱) توسعه صادرات به عنوان راهبرد غالب محسوب می‌گردد. در اولین سال برنامه نظام ارز، تک نرخی می‌گردد و در آخرین سال این برنامه کارخانه‌های سیمان ملزم به صدور صد در صد محصولاتشان می‌شوند. اثرات موفقیت آمیز تقویت نظام مالی به صورت مازاد بودجه دولتی در این سال نمایان می‌گردد. نرخ ۹ درصدی رشد تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت در این برنامه را می‌توان به عنوان دستاورد مهم این برنامه معرفی نمود.

در اولین سال برنامه چهارم اقتصادی (۱۹۶۸-۱۹۶۵) قانونی برای تشکیل و مدیریت مناطق صادراتی طرح و تصویب می‌شود و در سال ۱۹۶۶ این مناطق رسماً تشکیل می‌گردند. ورود سرمایه و وام‌های خارجی در این دوره نمایان است. متوسط نرخ رشد تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت به حدود ۱۰٪ می‌رسد.

طی برنامه پنجم تایوان (۱۹۷۲-۱۹۶۹) شورای ملی علوم تشکیل می‌گردد. دولت در سال ۱۹۷۱ (یعنی سالی که این کشور از سازمان ملل متحد اخراج می‌شود) دست به آزادسازی واردات و تعدیل نرخهای تعرفه تا حدود ۵۰٪ می‌زند. تا پایان این برنامه سیاست توسعه صادرات به عنوان خط مشی و راهبرد اصلی دولت محسوب می‌گردد. اهم اقدامات دولت تایوان در جهت اجرای راهبرد مذکور را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

### ۱ - تأمین اعتبار برای صنایع صادراتی؛



۲ - کمک به اتحادیه‌های صادرکنندگان برای ورود و نفوذ در بازارهای جهانی؛

۳ - حمایت از تشکیل شرکتهای تجاری بین‌المللی؛

۴ - اعطای سوبسید یا معافیت مالیاتی برای صادرکنندگان؛

۵ - تجهیز مناطق صادراتی.

طی برنامه پنجم اقتصادی تولید ناخالص ملی به قیمتهای ثابت رشد متوسطی در حدود ۱/۵ درصد داشته است.

### ۳- مرحله توسعه علمی - تکنولوژیک

دولت طی ششمین برنامه توسعه (۱۹۷۶-۱۹۷۳) به تقویت و تحکیم صنعتی اقتصاد می‌پردازد. در اولین سال این برنامه، مؤسسه تحقیقات تکنولوژی صنعتی تأسیس می‌شود و در سالهای آخر برنامه تعدیلات اقتصادی اعمال می‌گردد. در آخرین سال این برنامه بازارهای آزاد پولی نیز تأسیس می‌گردند. طی این برنامه ده پروژه بزرگ نیز اجرا می‌شود.

نرخ رشد متوسط تولید ناخالص ملی به قیمتهای ثابت در طی این برنامه ۸٪ بوده است که با توجه به شوک اول نفتی در این سالها نرخی مناسب و همراه با موفقیت به نظر می‌رسد.

برنامه هفتم توسعه اقتصادی تایوان (۱۹۸۱-۱۹۷۷) برخلاف برنامه‌های گذشته که ۴ ساله بودند، در مدت پنج سال به اجرا درمی‌آید. در سال ۱۹۸۷ نرخ ارز شناور می‌گردد. در سال ۱۹۸۱ پارک علمی - صنعتی هسین چو (Hsinchu) و مؤسسه اطلاعات صنعتی تأسیس می‌گردد. بدین ترتیب، تایوان رفته رفته از تأکید بر الگوی توسعه صادرات می‌کاهد و به سمت تکنولوژی مدرن و فرا صنعتی گرایش می‌یابد. نرخ رشد تولید ناخالص ملی به طور متوسط به قیمتهای ثابت در این برنامه به ۹٪ می‌رسد.

از دهه ۱۹۸۰ تایوان برنامه‌های تحقیق و توسعه (Research and Development) را به شدت دنبال می‌کند و بدین منظور به فعالیتهایی که کمک به توسعه می‌کند کمک هزینه اعطا می‌نماید.

دولت توجه خود را در برنامه هشتم (۱۹۸۵-۱۹۸۲) بر صنایع استراتژیک متمرکز می‌نماید و از نظر پولی برخی از نرخهای کلیدی در نظام بانکی را آزاد و انعطاف پذیر می‌سازد. در سال ۱۹۸۳ دولت تایوان مالیات جدیدی بر ارزش افزوده معرفی می‌نماید و عملاً آن را از

سال ۱۹۸۶ به اجرا درمی‌آورد. علت عمده اتخاذ این تصمیم را می‌توان کسر بودجه دولت در سال ۱۹۸۲ دانست. از جمله اقدامات مهم دیگر در این برنامه حذف کلیه تعرفه‌ها و قوانین زاید می‌باشد.

شایان توجه اینکه از دهه ۱۹۸۰ و به طور مشخص از برنامه هشتم اقتصادی، تراز بازرگانی تایوان با مزاد مواجه بوده و این مزاد تا سال ۱۹۸۶ در حال افزایش بوده است. نرخ رشد تولید ناخالص ملی به طور متوسط و به قیمت‌های ثابت در حدود ۷٪ می‌باشد.

نکته شایان توجه اینکه دولت تایوان در روند توسعه علمی - تکنولوژیکی از اهمیت راهبرد توسعه صادرات نکاسته، بلکه در این مرحله این دو به صورت دو عنصر لازم و ملزوم مطرح می‌شوند. دولت این کشور در راستای سیاست توسعه صادرات به انجام اقداماتی از قبیل آزاد سازی حساب سرمایه خارجی (۱۹۸۷)، آزاد سازی نظام ارزی (۱۹۸۹)، آزاد سازی و مقررات زدایی از کلیه نرخهای بهره (۱۹۸۹)، تصویب قانونی برای تشکیل و تأسیس بانکهای خصوصی (۱۹۸۹)، تأسیس بازار بورس ارز و کاهش ارز پول ملی (devaluation) می‌پردازد. با عنایت به آنچه گفته شد می‌توان گفت این کشور پس از پشت سر گذاشتن مراحل جانشینی واردات و توسعه صادرات از دهه ۱۹۸۰ توجه خود را بر نوسازی و تکنولوژیهای پیشرفته متمرکز ساخته است.

نگاهی گذرا به ترکیب صادرات و واردات تایوان در سالهای اخیر نشان می‌دهد که حدود ۹۵ درصد از صادرات این کشور را کالاهای صنعتی تشکیل می‌دهند که نیمی از آن ماشین آلات، لوازم الکتریکی و الکترونیکی می‌باشد. از اقلام وارداتی تایوان نیز می‌توان به مواد شیمیایی و معدنی، ماشین آلات و تجهیزات، نفت و فلزاتی از قبیل آهن و فولاد اشاره نمود.

چنانچه مکرراً در سطور گذشته گفته شد تایوان با استفاده از هر دو الگوی جانشینی واردات و توسعه صادرات از سوئی، و تلفیق آن دو یا تأکید بیشتر بر یکی در کنار دیگری، از سوی دیگر، توانسته است به جایگاهی مطمئن در صحنه رقابت جهانی دست یابد، تا جایی که برنامه ریزی برای دهه آینده را براساس توسعه علوم و تکنولوژی پیشرفته و نظامهای اطلاعاتی تنظیم کرده است. عملکرد و نتایج سیاستهای اتخاذ شده طی برنامه‌های اقتصادی و مراحل توسعه را می‌توان در قالب شاخصهای اقتصادی مورد بررسی قرار داد.

صادرات و واردات تایوان در نمودار شماره ۷ منعکس شده است. در این نمودار روند

صادرات و واردات تا سال ۱۹۸۱ بسیار نزدیک و از رشدی نسبتاً اندک برخوردار است. تایوان طی این سالها به جز دو سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ که تراز بازرگانی آن دچار کسری است (به خاطر شوک اول نفتی) با مازاد تراز بازرگانی مواجه است و این مازاد از سال ۱۹۸۱ (یعنی زمانی که نتایج اتخاذ راهبرد توسعه صادرات به بار می‌نشیند) افزایش می‌یابد. از این زمان به بعد است که رشد صادرات نسبت به واردات از شتاب بیشتری برخوردار می‌شود.

در نمودار شماره هشت تولید ناخالص ملی این کشور به تصویر کشیده شده است. نمودار مذکور روندی (نسبتاً) ناآبایت دارد. نکته قابل توجه اینکه تایوان توانسته است طی ۲۰ سال تولید ناخالص ملی را ۲۰ برابر افزایش دهد. آنچه به طور کلی از این نمودار استنباط می‌شود این است که به موازات اتخاذ سیاستها و عبور از مراحل توسعه، درآمد تولید ناخالص ملی سرانه تغییرات چشمگیری داشته است.<sup>(۱)</sup>

### اندونزی

در سال ۱۹۴۵ برای نخستین بار دولت اندونزی به اقتصاد توجه می‌کند. و برای اولین بار گرایشهای دولت به اقتصاد نمایانگر می‌شود، به طوری که دولت تصمیم می‌گیرد اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی را طی سالهای ۱۹۶۰-۱۹۵۶ به مرحله اجرا گذارد، اما به علت مخالفت‌های شدید جنبشهای سیاسی این برنامه اجرا نشد، دومین برنامه ۵ ساله نیز به علت مقارن بودن با کودتای سال ۱۹۶۵ به اجرا درنیامد. برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور اندونزی به طور جدی از سال ۱۹۶۹ به اجرا درمی‌آید. اندونزی جهت‌گیری توسعه‌ای خود را از همان سالهای اولیه با اتخاذ راهبردهای مناسب شروع می‌کند. این کشور در برنامه اول توسعه اقتصادی خود که از سال ۱۹۶۹ شروع و تا سال ۱۹۷۳ ادامه می‌یابد کشاورزی را در دستور کار خود قرار داده، برای احیای کشاورزی و گسترش آن سیاستهای عمده‌ای در پیش می‌گیرد، به طوری که در این برنامه تشویق و ترغیب کشاورزان از به‌کارگیری تکنولوژی مدرن مورد توجه قرار می‌گیرد و با تثبیت قیمتهای محصولات کشاورزی و حذف سوبسید از مواد غذایی جهت گیری صحیحی اتخاذ می‌شود. آنچه در این برنامه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است استقبال دولت از سرمایه‌های خارجی است. دولت پس از تصویب قانون سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۹۶۷ درهای کشور را به روی سرمایه‌های خارجی می‌گشاید و در طول برنامه اول با تک نرخی نمودن ارز به این فرآیند شتاب چشمگیری می‌بخشد و در ضمن دولت به حمایت شدید از صنایعی که پس از تصویب این قانون با سرمایه‌های خارجی ایجاد شده بودند، می‌پردازد. شایان توجه است

که عمدتاً صنایع بوجود آمده در این برهه زمانی کالاهای مصرفی بی دوام تولید می‌کند واردات چنین کالاهایی شدیداً تحت کنترل دولت قرار می‌گیرد. سیاستهای حمایتی از صنایع مصرفی نوپا از جانب دولت در این مرحله را می‌توان اولین مرحله در راهبرد جایگزینی واردات دانست. نکته قابل توجه اینکه به کارگیری سرمایه‌های خارجی عمدتاً به منظور جایگزینی واردات می‌باشد.

در دومین برنامه توسعه اقتصادی اندونزی (۱۹۷۸-۱۹۷۳) با بالا رفتن ناگهانی قیمت نفت این فرصت برای دولت اندونزی فراهم شد تا از این درآمدهای نفتی برای سرمایه‌گذاری در خدمات زیربنایی اقتصاد استفاده کند. در طول این برنامه نیز حمایتهای دولتی از صنایع مصرفی کوچک تداوم داشت و در بخشهای زیربنایی و صنایع سنگین نیز که بودجه آن از درآمدهای نفتی تأمین می‌شد سرمایه‌گذاری مداومی انجام گردید.

در طول برنامه دوم، دولت با مسلط شدن بر بخش مالی و اعتباری، سرمایه‌گذاریهایی کشور را به جهت مشخصی سوق می‌دهد. اعمال این راهبردها خود موجب رشد داخلی کشور می‌گردد. به طوری که رشد واقعی تولید ناخالص داخلی به قیمتهای ثابت به ۶/۸ درصد می‌رسد. می‌دانیم که مرحله دوم راهبرد جایگزینی واردات پرهزینه است، لذا تنها ابزار موجود در دست دولت برای تأمین این هزینه‌ها درآمدهای نفتی بود. گرچه این دوران با رشد بالای اقتصادی همراه بود. ولی شدیداً اقتصاد را به نفت وابسته کرد.

طی سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ اندونزی با مشکلات ناشی از اتخاذ سیاست جایگزینی واردات روبرو می‌شود. محدودیت بازار داخلی و اشباع آن سیاستگذاران را به اتخاذ راهبرد درهای باز یعنی روی آوردن به راهبرد توسعه صادرات (غیر نفتی) مجبور می‌کند. در این دوران که مقارن با برنامه سوم توسعه اندونزی است، در سال ۱۹۷۸ اولین کاهش عظیم ارزش پول ملی (همانگونه که در نمودار شماره ۹ مشاهده می‌شود) صورت می‌پذیرد تا زمینه برای اتخاذ راهبرد مزبور فراهم شود.

از اواخر سال ۱۹۸۲ و اوایل سال ۱۹۸۳ یعنی از ابتدای برنامه چهارم، اندونزی به این مهم پی می‌برد و با اتخاذ راهبرد توسعه صادرات اقدامات و اصلاحاتی را انجام می‌دهد. این دوران در تاریخ اقتصادی اندونزی به نام «اولین دوره تعدیلات» خوانده می‌شود، به طوری که در سال ۱۹۸۶ این تعدیلات به سر حد خود می‌رسد. در این میان، کاهش تعرفه‌های وارداتی، معافیت

گمرکی برای صادر کنندگان، اصلاح نظام مالیاتی کشور، انعطاف پذیر نمودن نرخ ارز، بودجه ریاضت کشی و کلاً جهت گیری صادراتی از جمله اقدامات دولت اندونزی است که نتایج حاصل آن بعد از سال ۱۹۸۶ به بار می‌نشیند. در برنامه چهارم توسعه که در آن مرحله راهبرد توسعه صادرات عملاً مشاهده می‌گردد، دوره دوم تعدیلات اقتصادی شروع می‌شود و با اصلاح نظام مالیاتی و مالی شتاب خاصی می‌گیرد که نتیجه حاصل از آن در تغییر کلی ساختار اقتصاد و صادرات غیر نفتی و کلاً تغییر راهبردهای توسعه متبلور می‌شود.

حال با عنایت به مطالبی که در سطور گذشته در مورد مراحل توسعه اندونزی بیان گردید به عملکرد هر مرحله در بخشها و شاخصهای اقتصادی پرداخته می‌شود تا تغییر راهبردهای توسعه و با نتایج حاصل در هر دوران مورد بررسی قرار گیرد.

نمودار شماره ۱۰ صادرات کشور اندونزی را نشان می‌دهد. در این نمودار کل صادرات از صادرات صنعتی، نفتی و غیر نفتی اولیه تشکیل شده است. در سالهای برنامه اول همان گونه که در نمودار نیز مشخص است (۱۹۷۳-۱۹۷۲) به علت افزایش ناگهانی قیمت نفت سهم عمده‌ایی از صادرات را صادرات نفتی تشکیل می‌داده است و سهم صادرات صنعتی از کل صادرات میزان ناچیزی می‌باشد. در طول برنامه دوم توسعه اندونزی یعنی در فاصله سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ که مرحله پیشرفته سیاست جایگزینی واردات اعمال می‌شود، سهم عمده صادرات به بخش صادرات نفتی اختصاص دارد که این مرحله پر هزینه نیز از درآمدهای نفتی تأمین بودجه می‌شد. اما قابل توجه است که صادرات غیر نفتی اولیه در این دوران از رشد بطی برخوردار بوده است و همچنین صادرات صنعتی رشد کندی داشته و کمترین سهم را از صادرات به خود اختصاص داده است ولی به علت رشد صادرات نفتی، کل صادرات رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد.

در طول برنامه سوم با تداوم افزایش قیمت نفت در سطح جهان طی سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ عمده صادرات اندونزی را صادرات نفتی تشکیل می‌دهد به طوری که صادرات نفتی در سال ۱۹۸۲ به حداکثر میزان خود می‌رسد و پس از آن با کاهش قیمت نفت سیری نزولی پیدا می‌کند. در این دوران صادرات صنعتی سهم بیشتری از صادرات را نسبت به دوران قبلی در برنامه دوم به خود اختصاص می‌دهد، ولی همچنان سهم صادرات مواد اولیه غیر نفتی بیشتر از صادرات صنعتی است. که در سالهای اولیه برنامه چهارم توسعه با کاهش سیر قیمت نفت در جهان، صادرات نفتی اندونزی کاهش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد و همزمان با این کاهش، رشد قابل توجهی در صادرات صنعتی این کشور مشاهده می‌گردد. تداوم این فرآیند و تغییر راهبردهای

توسعه اندونزی از سیاست جایگزینی واردات به توسعه صادرات منجر به این می‌شود که در سال ۱۹۸۶ جهشی در کل صادرات اندونزی پدیدار شود و صادرات با شتابی فزاینده رشد کند.

از سال ۱۹۸۹ به بعد صادرات نفتی رشدی بطئی در کل صادرات داشته و صادرات صنعتی که قسمت عمده تشکیل دهنده کل صادرات می‌باشد، با شتابی قابل ملاحظه افزایش می‌یابد و این امر موجب افزایش کل صادرات می‌گردد. در این مرحله است که اندونزی برای رشد و توسعه «موتور صادراتی» را برمی‌گزیند.

برای مشخص شدن مراحل توسعه اندونزی و تغییر راهبردها از جایگزینی واردات به توسعه صادرات شاخص دیگری نیز مد نظر قرار می‌گیرد. این شاخص سهم صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی می‌باشد. همان‌گونه که در نمودار شماره ۱۱ مشخص است روند حرکت این شاخص از سال ۱۹۶۳ تا سال ۱۹۹۱ یک روند صعودی برای هر دو مورد می‌باشد که هماهنگ با فرآیند توسعه است. عمدتاً تا سال ۱۹۷۳ یعنی سال آغازین برنامه دوم، سهم واردات از تولید ناخالص داخلی بیشتر از سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی است که این فرآیندی معقول و متناسب با راهبرد متخذه یعنی جایگزینی واردات (مرحله اولیه) می‌باشد.

از سال ۱۹۷۳ عملاً سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی نسبت به سهم واردات پیشی می‌گیرد، اما عملاً پیشی گرفتن سهم صادرات بر سهم واردات از تولید ناخالص داخلی تا سال ۱۹۸۲ به علت افزایش قیمت نفت بوده است. از سال ۱۹۸۲ روند صعودی منطبق بر هم می‌شود و از سال ۱۹۸۶ به بعد رشد سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی با سرعتی معقول بیشتر از رشد سهم واردات از تولید ناخالص داخلی است و با اتخاذ راهبرد توسعه صادرات هماهنگی لازم بوجود می‌آید.

حال برای روشن شدن فرآیند صنعتی شدن و اثرات آن بر کل صادرات ذیلاً شاخص دیگری مطرح می‌گردد و آن سهم تولیدات کارخانه‌ای در صادرات می‌باشد که در نمودار شماره ۱۲ منعکس گردیده است. طی برنامه اول توسعه اقتصادی اندونزی، یعنی در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸، سهم تولیدات کارخانه‌ای در صادرات فوق‌العاده ناچیز است. طی برنامه دوم یعنی از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳، رشد بطئی در سهم تولیدات کارخانه‌ای از صادرات به چشم می‌خورد اما جهش اساسی از ابتدای برنامه چهارم یعنی همزمان با اتخاذ راهبرد توسعه صادرات نمایان است. از سال ۱۹۸۳ به بعد شتاب سهم تولیدات کارخانه‌ای در صادرات چشمگیر بوده و این

روند از سال ۱۹۸۸ به بعد نیز ادامه یافته است. شایان توجه است که به علت بالا بودن قیمت نفت در دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد سهم تولیدات کارخانه‌ای در صادرات کم بوده و با کاهش قیمت نفت شتاب بیشتری (در سال ۱۹۸۵) می‌یابد. مقایسه سهم تولیدات کارخانه‌ای در صادرات در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۹۲ بیانگر تغییرات سریع تولیدات کارخانه‌ای و سهم تولیدات کارخانه‌ای در بافت صادرات این کشور بوده است، به طوری که از ۲ درصد به ۴۸ درصد بالغ گردیده است.

برای تأیید اظهارات فوق، شاخص واردات کالاها و خدمات مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان گونه که از نمودار شماره ۱۳ برمی‌آید واردات کالاها و خدمات یک روند افزایشی  $N$  ماندنی به خود گرفته است. نکته مهم این است که واردات تابعی از درآمد است و افزایش واردات تناسبی با افزایش درآمد دارد. حال با توجه به این مطلب می‌توان گفت افزایش واردات در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۳ معلول افزایش درآمدهای نفتی بوده و با کاهش قیمت نفت از سال ۱۹۸۳ به بعد و به حداقل رسیدن قیمت نفت در سال ۱۹۸۵ واردات اندونزی نیز کاهش قابل توجهی یافته است. اما افزایش عمده آن از سال ۱۹۸۶ علتی به جز افزایش درآمدهای نفتی دارد. این روند افزایشی ناشی از افزایش درآمد حاصل از صادرات غیر نفتی است. همان گونه که در نمودار صادرات مشاهده گردید از این سال به بعد صادرات نفتی رشد بطی و صادرات غیر نفتی (صنعتی) رشدی فزاینده داشته است. سهم تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی شاخص دیگری است که توجه به آن خالی از لطف نیست. قانون سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۹۶۷ به تصویب می‌رسد و از همان سالها رشد قابل توجهی در سهم تشکیل سرمایه ناخالص در تولید ناخالص داخلی را مشاهده می‌کنیم. برای تحقق مراحل جایگزینی واردات، نرخ تشکیل سرمایه بالایی مورد نیاز می‌باشد همان گونه که در نمودار شماره ۱۴ می‌بینیم، میزان آن طی دو برنامه یعنی از سال ۱۹۶۹ قابل توجه است. در برنامه سوم جهش قابل ملاحظه‌ای در سهم تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی هویدا است که عموماً ناشی از اثرات افزایش درآمدهای نفتی است. با کاهش قیمت نفت این سهم نیز کاهش می‌یابد ولی آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد افزایش سریع این سهم بعد از نیمه دوم دهه هشتاد است.

به موازات انتخاب مراحل توسعه و انتخاب راهبرد گسترش صادرات، درآمد سرانه داخلی نیز افزایش می‌یابد و موجب گسترش بازار داخلی می‌گردد. برای بررسی این پدیده شاخص درآمد سرانه مورد توجه قرار می‌گیرد. همان گونه که در نمودار ۱۵ مشاهده می‌شود منحنی

توسیم شده یک حالت N مانند دارد. همان گونه که ذکر گردید با افزایش نفت در دهه ۱۹۷۰، تولید ناخالص داخلی اندونزی نیز افزایش می‌یابد و متعاقباً درآمد سرانه نیز افزایش پیدا می‌کند این روند تا سال ۱۹۸۲ به خوبی مشهود است. با کاهش قیمت نفت و به حداقل رسیدن آن در سال ۱۹۸۶-۱۹۸۵، درآمد سرانه نیز به تدریج کاهش می‌یابد و در همان سال به حداقل خود می‌رسد. اما نکته مهم افزایش مجدد آن با شتابی بیشتر بعد از سال ۱۹۸۶ است. (مقایسه شیب منحنی تغییرات تولید ناخالص ملی بین سالهای ۱۹۸۱-۱۹۷۲ و ۱۹۹۲-۱۹۸۲ این مسأله را نشان می‌دهد). چنانچه در نمودارهای قبلی مشاهده شد افزایش تولیدات کارخانه‌ای و افزایش سهم صادرات صنعتی تولید سرانه را افزایش می‌دهد. قابل توجه است اگر مقایسه‌ای بین سالهای اولیه توسعه و سالهای اخیر در این شاخص به عمل آید: درآمد سرانه اندونزی در سال ۱۹۷۲ کمتر از یکصد دلار بوده است در حالی که در سال ۱۹۹۲ معادل ۷۰۰ دلار است و آن هم به درآمد نفتی وابسته نیست.

همان گونه که در جدول شماره ۱ می‌بینیم با افزایش درآمد سرانه توزیع درآمدها در این فرآیند متعادل‌تر گردیده و شکاف درآمدی بین گروههای پردرآمد و کم درآمد جامعه کم و کمتر شده است.

## مالزی

روند توسعه کشور مالزی از دهه ۱۹۶۰ و به طور مشخص و رسماً از سال ۱۹۶۵ یعنی اولین سال برنامه اول توسعه این کشور (۱۹۶۵-۱۹۷۰) آغاز می‌شود. اهداف این برنامه با توجه به کاهش رشد اقتصادی و نیز جدایی فدراسیون سنگاپور تعیین گردید. مرحله ابتدایی جانشینی واردات از نیمه دوم دهه شصت و در چهارچوب برنامه اول آغاز گردید. در این راستا در سال ۱۹۶۶ کمیسیون تعرفه تأسیس شد و از این زمان به دلیل حمایت‌های تعرفه‌ای از بخش صنعت این بخش از اقتصاد در داخل رشد می‌یابد.

مالزی در سال ۱۹۶۸ به دو اقدام مهم دست می‌زند که یک تصویب قانون تشویق سرمایه گذاری و دیگری تشکیل سازمان توسعه صنعتی است.

در سال ۱۹۷۰ یک برنامه توسعه بلند مدت (۲۰ ساله) با عنوان «سیاستهای نوین در توسعه اقتصادی» مطرح شد که از اهداف آن می‌توان ریشه کنی فقر و تجدید ساختار کشور، رشد صنایع سنگین، گسترش صنایع وابسته به بخش معدن و در عین حال متنوع ساختن صنایع غیر



وابسته به معادن رانام برد.

برنامه دوم توسعه مالزی (۱۹۷۵-۱۹۷۱) با دیدی بازتر طرح می‌گردد. مهمترین هدف این برنامه توزیع عادلانه درآمد است. مالزی در سال ۱۹۷۱ قانون مناطق آزاد تجاری را تصویب می‌کند و یک سال بعد پول خود یعنی «رینگیت» (Ringgit) را بر اساس دلار آمریکا ارزش‌گذاری می‌نماید و در سال ۱۹۷۲ نظام نرخ ارز خود را از نرخ ارز ثابت به نرخ انعطاف پذیر تغییر می‌دهد. در آخرین سال برنامه دوم (۱۹۷۵) این کشور قانون گمرکات را مورد تجدید نظر و اصلاح قرار می‌دهد و قانونی نیز برای جذب سرمایه‌گذاری به تصویب می‌رساند. از این زمان رفته رفته برون‌گرایی در دیدگاه‌های سیاست‌گذاران شکل می‌گیرد و از میزان اتکا به بازار داخلی کاسته می‌شود.

دوران جانشینی واردات از سال ۱۹۷۱ کم‌رنگ تر می‌شود. در این زمان در حدود ۹۰٪ کالاهای مصرفی و واسطه‌ای در داخل کشور تولید می‌شود. بدین ترتیب مالزی از ابتدای دهه ۷۰ به سوی سیاستهای توسعه صادرات روی می‌آورد. سومین برنامه توسعه مالزی (۱۹۸۰-۱۹۷۶) نیز با اهدافی مشابه برنامه قبلی طرح می‌شود. طی این برنامه دولت تأکید بیشتری بر اصلاحات پولی و مالی به منظور تأمین نقدینگی برای سرمایه‌گذاری و گسترش تولیدات داخلی در راستای مرحله جانشین وارداتی دارد، به طوری که در سال ۱۹۷۶ بورس اوراق بهادار کوالالامپور را تأسیس می‌کند و بانکهای بازرگانی را نیز در سال ۱۹۷۸ مجاز می‌نماید تا نرخهای بهره را خود تعیین کنند. طی این برنامه متوسط رشد تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت به حدود ۸٪ می‌رسد (طی سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ نرخ رشد در حدود ۶/۵٪ بود).

طی برنامه چهارم (۱۹۸۵-۱۹۸۱) دولت مالزی بیشتر بر صنایع سنگین تأکید دارد و در سال ۱۹۸۱ سازمان صنایع سنگین مالزی تشکیل می‌شود. به علاوه مالزی در همین سال دست به اتخاذ سیاستهای معطوف به ناحیه جنوب شرقی آسیا (Look East Policy) و الگو برداری از ژاپن می‌زند.

از اهداف برنامه چهارم می‌توان به مواردی از قبیل تثبیت قیمت‌های داخلی و کنترل تورم، ریشه کنی فقر و تقویت تراز پرداختها اشاره نمود. در سال ۱۹۸۲ مالزی دست به تعدیلات اقتصادی می‌زند و یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۳ اقدام به خصوصی سازی می‌کند. چنانکه

حدود ۷۳ سازمان و ۲۱ طرح دولتی را به بخش خصوصی واگذار می‌کند. در سالهای آخر اجرای این برنامه این کشور مواجه با رکود شدید می‌گردد و رشد متوسط تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت طی این برنامه به حدود ۴٪ کاهش می‌یابد. از نیمه اول دهه ۱۹۸۰ است که مالزی در می‌یابد برای خروج از وضعیت رکودی و تسریع جریان توسعه باید سیاست توسعه صادرات را به طور جدی دنبال کند.

برنامه پنجم توسعه مالزی (۱۹۹۰-۱۹۸۶) با اهدافی همچون سرعت بخشیدن به رشد و تغییر گرایش از صنایع متکی بر بازار داخلی به صنایع صادراتی، طرح و اجرا می‌گردد. نتیجه آنکه طی سالهای پایانی این برنامه در حدود نیمی از کل صادرات این کشور را کالاهای کارخانه‌ای و صنعتی تشکیل می‌دهد و نرخ رشد متوسط تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت طی این برنامه به حدود ۷٪ می‌رسد. البته طی این سالها دولت هنوز به امر تعدیل و آزاد سازی در اقتصاد توجه دارد.

دولت مالزی در دهه ۱۹۹۰ نیز با اوضاع مشابهی مواجه است و به دنبال سیاست‌های بلند مدت (۲۰ ساله) که تا این زمان ادامه داشته است، از سال ۱۹۹۱ یعنی از آغاز برنامه ششم (۱۹۹۵-۱۹۹۱) راهبردهای توسعه را با توجه به نکاتی از قبیل گسترش تولیدات کارخانه‌ای و صنعتی برای صادرات، فاصله گرفتن از صنایع مونتاژ و گرایش به تولید اجزا و قطعات، کوشش در جهت بالا بردن ارزش افزوده کالاهای صادراتی و توسعه تکنولوژی و افزایش نیروی انسانی متخصص در پیش می‌گیرد.

آنچه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که مالزی روند توسعه صنعتی را بسیار دیرتر از سایر کشورهای صنعتی شده شرق آسیا آغاز نموده است و با وجود فقدان هدفمندی کاملاً مشخص و تداوم در اتخاذ و اجرای راهبردهای توسعه نسبت به سایر کشورها، به موفقیت‌هایی نایل آمده است.

اکنون برای روشن شدن فرآیند توسعه صنعتی این کشور لازم است برخی از شاخصهای رشد و توسعه اقتصادی را مورد بررسی قرار دهیم. یکی از مهمترین شاخصهایی که می‌تواند روند تغییر مراحل توسعه اقتصادی را نشان دهد، صادرات است. نمودار شماره ۱۶ کل صادرات و ترکیب آن را طی دوره ۱۹۹۲-۱۹۷۲ نشان می‌دهد. نکته قابل توجه آن که تا سال ۱۹۸۷-۱۹۸۶ روند کل صادرات به شدت متأثر از صادرات غیر نفتی اولیه بوده است. حرکت

یکسان دو منحنی این امر را به وضوح نشان می‌دهد که صادرات نفتی هم دارای یک رشد کند با اندکی نوسان بوده است، با این حال سهم آن از کل صادرات اندک است.

آنچه باید مورد توجه قرار گیرد روند صادرات صنعتی است که طی دوره ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۵ رشدی اندک و آن هم نزدیک به صادرات غیر نفتی اولیه دارد، اما از سال ۱۹۸۷-۱۹۸۶ شتاب می‌گیرد و پس از آن به شدت کل صادرات را متأثر می‌سازد. دلیل این امر را می‌توان در موفقیت سیاست توسعه صادرات جستجو کرد.

چنانچه دیده می‌شود روند صادرات مالزی همواره در حال رشد بوده و پس از سال ۱۹۸۶ به دلیل به ثمر نشستن سیاست توسعه صادرات با شتاب فزاینده‌ای همراه بوده است.

تنها نکته قابل توضیح این که کاهش صادرات در سال ۸۶-۱۹۸۵ را می‌توان به رکود داخلی و کاهش قیمت‌های نفت که به ترتیب بر صادرات مواد اولیه غیر نفتی و صادرات نفتی اثر می‌گذارند، نسبت داد. گرچه بررسی صادرات به تنهایی می‌تواند نشان‌دهنده تغییر مراحل باشد اما مطالعه آن با توجه به واردات و عملکردهای متقابل آنها می‌تواند بیش از پیش مفید باشد. بدین منظور در نمودار شماره ۱۷ سهم صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد. تغییر سهم صادرات و واردات نشانگر تغییر مراحل توسعه می‌باشد.

تا پیش از سال ۱۹۷۲ سهم صادرات بیش از واردات بوده است. در این مقطع صادرات را کالاهای سنتی و عمدتاً مواد اولیه و واردات را کالاهای ساخته شده مصرفی و ساده تشکیل می‌دهد. در مرحله دوم توسعه تا اواخر دهه ۱۹۷۰ صادرات مالزی را کالاهایی از قبیل منسوجات، چوب، فرآورده‌های لاستیکی و صنایع غذایی تشکیل می‌دهند.

همان‌گونه که دیده می‌شود بین سالهای ۱۹۸۱-۱۹۸۰ و ۱۹۸۴-۱۹۸۳ سهم واردات بیش از صادرات است. دلیل این امر را می‌توان واردات کالاهای سرمایه‌ای و نیز کالاهای صنعتی به منظور تولید کالاهای صنعتی مدرن دانست. پس از آن سهم صادرات از واردات پیشی می‌گیرد اما به طور همزمان سهم واردات رفته رفته بیشتر می‌گردد و این شاید به دلیل واردات تجهیزات با دانش فنی پیچیده و تکنولوژی مدرن باشد. حال شایسته است روند سهم مصنوعات و تولیدات کارخانه‌ای از صادرات مورد مطالعه قرار گیرد نمودار شماره ۱۸ سهم تولیدات کارخانه‌ای در صادرات مالزی را از زمان آغاز اتخاذ سیاست توسعه صادرات نشان می‌دهد.

جهش این منحنی در سال ۱۹۸۵ به دلیل کاهش بهای نفت و در نتیجه کاهش هزینه تولید مصنوعات کارخانه‌ای قابل توجه است. این نمودار نشان می‌دهد که طی مرحله جانشینی واردات، سهم تولیدات کارخانه‌ای در صادرات مالزی بسیار آرام افزایش یافته است و در دهه ۱۹۸۰ و بویژه در نیمه پایانی آن و با به ثمر رسیدن سیاست توسعه صادرات به سرعت افزایش پیدا کرده است.

نمودار شماره ۱۹ واردات کالاها و خدمات را نشان می‌دهد. روند صعودی واردات تا سال ۱۹۸۱ همچنان ادامه داشته و تا سال ۱۹۸۶ رشدی بسیار اندک داشته است. اما از سال ۱۹۸۶ همراه با موفقیت راهبرد توسعه صادرات، بالا رفتن درآمدها و تولید ناخالص ملی روندی سریع به خود می‌گیرد. چنانکه مشهود است تا سال ۱۹۶۹ سهم تشکیل سرمایه ناخالص نزولی بوده است. علت این امر را می‌توان فقدان راهبرد مشخص دانست. در سال ۱۹۶۳ ایالت‌های صباح و ساراواک به مالایا (شبه جزیر فعلی مالزی) الحاق شدند. تصویب قانون تشویق سرمایه‌گذاری در سال ۱۹۸۶ نیز به دلیل ناآرامیهای داخلی و عدم وجود یک دیدگاه قاطع در توسعه اثر چندانی نداشت، تا این که زد و خورد‌های نژادی و اغتشاشات داخلی سهم تشکیل سرمایه ناخالص داخلی در تولید ناخالص داخلی را به حداقل رسانید.

با پایان برنامه اول و آغاز برنامه دوم و هدفمندی و قاطعیت در انتخاب سیاستها در مرحله جانشینی واردات که تا سال ۱۹۷۳ ادامه دارد تشکیل سرمایه روندی صعودی به خود می‌گیرد. آزاد سازی نرخهای بهره حسابهای سپرده ثابت بیش از چهار سال (۱۹۷۱) و آزاد کردن نرخ بهره تمام سپرده‌های زیر یکسال در بانکهای بازرگانی (۱۹۷۲) نیز در مرحله ابتدایی جانشین واردات مؤثر بوده‌اند.

در دوران کوتاه تغییر مرحله توسعه از جایگزینی واردات به توسعه صادرات (حدوداً بین سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶) مالزی در روند تشکیل سرمایه ناخالص دچار اشکال می‌گردد، چنان که حتی تصویب قانون جذب سرمایه‌گذاری (۱۹۷۵) نیز موفقیت چندانی نمی‌یابد و کاهش سهم تشکیل سرمایه تا سال ۱۹۷۶ ادامه می‌یابد.

از سال ۱۹۷۶ سهم تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی روندی صعودی به خود می‌گیرد. در این سال بورس اوراق بهادار کوالالامپور تشکیل می‌گردد. در سال ۱۹۸۷ نیز نرخ بهره وامها و سپرده‌های بانکهای بازرگانی آزاد می‌شود که این خود بر روند روبه رشدی که تا سال

۱۹۸۲ ادامه می‌یابد مؤثر است. در سال ۱۹۸۳ بانک مرکزی مالزی نرخ پایه‌ای برای وام به بانکهای دیگر برقرار می‌کند. این مسأله در کنار کاهش تولید ناخالص ملی سرانه که از ۱۹۸۴ شروع شده و پس از رکود ۱۹۸۵ تا سال ۱۹۸۷ ادامه می‌یابد، همگی باعث کاهش سهم تشکیل سرمایه ناخالص در تولید ناخالص داخلی می‌شوند.

در سال ۱۹۸۷ و پس از به بار نشستن اثرات اتخاذ راهبرد توسعه صادرات که از حدود سال ۱۹۸۶ پدیدار می‌گردد، تشکیل سرمایه بار دیگر روندی صعودی می‌یابد، در عین حال تصویب قانونی برای افزایش سرمایه‌گذاری در سال ۱۹۸۶ نیز اثر مثبتی دارد و چنانکه دیده می‌شود سهم تشکیل سرمایه ناخالص ملی تا دهه ۱۹۹۰ همواره رو به افزایش بوده است. شاخص دیگری که در مطالعه اثرات و نتایج اتخاذ راهبرد جایگزینی واردات و توسعه صادرات از اهمیت زیادی برخوردار است، درآمد سرانه می‌باشد. نمودار شماره ۲۱ تولید ناخالص ملی سرانه مالزی را طی سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲ نشان می‌دهد و چنان که دیده می‌شود تا سال ۱۹۸۱-۱۹۸۲ همواره رو به افزایش بوده است. بنابراین دیده می‌شود که طی سه برنامه اول، مالزی در بالا بردن سطح زندگی و درآمدها تا چه حد موفقیافته است. نکته دیگر آنکه افزایش تولید ناخالص ملی سرانه تا حدود سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۳ که کشور هنوز مرحله جایگزینی واردات را پشت سرنگذاشته است به آرامی صورت می‌گیرد. اما پس از آن همراه با ورود به مرحله توسعه صادرات، رشد تولید ناخالص ملی سرانه تسریع می‌گردد که البته این امر تا سال ۱۹۸۱ نیز ادامه می‌یابد. طی برنامه چهارم، مالزی از تأکید خود بر توزیع درآمد و افزایش تولید ناخالص می‌کاهد و بیشتر بر صنایع سنگین، تراز پرداختها و الگو برداری از سایر کشورهای موفق این ناحیه توجه دارد. به همین دلیل تولید ناخالص سرانه تقریباً بدون تغییر می‌ماند. در سال ۱۹۸۲ مالزی برنامه تعدیل میان مدت را مطرح می‌سازد و یک سال بعد (۱۹۸۳) به خصوصی سازی اقتصاد می‌پردازد. گرچه تولید ناخالص ملی سرانه افزایش می‌یابد اما با بروز رکود در سال ۱۹۸۵ مالزی با کاهش درآمد تا سال ۱۹۸۸ روبرو می‌گردد. نتایج مفید حاصل از اتخاذ راهبرد توسعه صادرات در کنار برنامه تعدیل و آزاد سازی اقتصادی بار دیگر موجب افزایش تولید ناخالص ملی سرانه می‌گردد و همان گونه که دیده می‌شود این رشد مثبت تا سالهای اخیر نیز همچنان ادامه داشته است. در اینجا ذکر نکته‌ای لازم است و آن این که نه تنها طی این دوران روند کلی تولید ناخالص ملی سرانه صعودی بوده بلکه توزیع درآمدها هم در جامعه متعادل‌تر گردیده است، چنانکه نسبت سهم درآمد ۲۰ درصد از پردرآمدترین خانوارها به

سهم درآمد ۲۰ درصد از کم درآمدترین خانوارها که در سال ۱۹۷۳، ۱۶/۰۳ بوده و در سال ۱۹۸۷ به ۱۱/۱ رسیده است که این خود حاکی از توزیع عادلانه‌تر درآمدها در کنار افزایش آنها می‌باشد.

### ارزیابی عملکرد راهبردهای توسعه اقتصادی این کشورها

روند بازسازی اقتصادی که در مراحل مختلف توسعه تبلور یافته، نشان می‌دهد که این چهار کشور علی‌رغم تفاوت در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از دستاوردهای نسبتاً یکسان در مراحل مختلف برخوردار بوده‌اند.

اندیشه اساسی مرحله‌بندی توسعه را بایستی ناشی از پذیرش تغییرات بنیادی مدیریت تولید در جهت افزایش تولید همراه با افزایش تقاضا در داخل و خارج برای تولیدات در راستای روند صنعتی کردن این کشورها در بلندمدت دید.

همان‌گونه که در بررسی یکایک این کشورها نشان داده شد، رشد اقتصادی بلندمدت این کشورها نه تنها رشدی چشمگیر، مستمر و فراگیر بوده، بلکه توزیع این رشد در بخشهای مختلف از توازن نسبی برخوردار بوده و به موازات آن شرایط برای کاهش شکاف درآمدی بین گروههای مختلف درآمدی فراهم گردیده است.

افزایش رشد مستمر و به موازات آن توزیع مطلوب درآمدها، شرایط را برای توزیع و تخصیص بهینه منابع امکان پذیر ساخته است. از این نظر در هر چهار کشور کره جنوبی، تایوان، اندونزی و مالزی ساختار عرضه و تقاضا مرحله به مرحله در یک رابطه متقابل و پویا تغییر یافته و تظاهر این روند افزایش رشد اقتصادی همه جانبه و درازمدت (عرضه) و توسعه و گسترش بازار داخلی و خارجی (تقاضا) می‌باشد. نگاهی به روند رو به افزایش سهم تشکیل سرمایه خالص در تولید ناخالص داخلی طی سالهای ۱۹۹۲-۱۹۶۳ برای کره جنوبی و ۱۹۹۲-۱۹۸۲ برای مالزی و اندونزی (مقایسه کنید با نمودارهای ۲۲ و ۲۳) حاکی از افزایش بهره‌وری تولید و دستیابی به مزیت در تولیدات بخشی از کالاهای کشاورزی، خدمات، به خصوص صنایعی است که از اوان بالقوه مزیت برخوردار بوده‌اند و بعد این مزیت به مزیت بالفعل تبدیل شده است. افزایش سهم تولیدات کارخانه‌ای در مالزی و اندونزی در مرحله توسعه صادرات به مراتب چشمگیرتر است در حالی که در سال ۱۹۸۰ صادرات کارهای کارخانه‌ای کره ۴/۵ برابر مالزی بوده است. در سال ۱۹۹۲ صادرات کالاهای کارخانه‌ای این کشور به بیش از ۶۰٪ افزایش

یافته و نشان می‌دهد که به موازات افزایش چشمگیر نرخ سرمایه‌گذاری، توسعه سرمایه‌انسانی و استفاده متقابل و متمرکز سرمایه‌انسانی انجام گرفته است. این سرمایه‌انسانی در رابطه با انتخاب مزیتها فراهم آمده و صادرات بخشی از محصولات کارخانه‌ای را افزایش داده و چشم انداز دستیابی به مزیت در بخش دیگر از فرآورده‌های کارخانه‌ای را فراهم می‌سازد.

حاصل این تحولات تنها افزایش صادرات نبوده بلکه نرخ رشد اشتغال نسبتاً متوازن و افزایش درآمدها پیامد این تحولات بوده است (مقایسه کنید با نمودار شماره ۲۴). بررسی نمودارهای اشتغال نشان می‌دهد که نرخ اشتغال در مقام مقایسه با سایر کشورهای توسعه نیافته از شتاب به مراتب بیشتری برخوردار بوده است، به خصوص قابل ملاحظه و ذکر است که افزایش اشتغال، شرایط برای کاهش شکاف درآمد بین گروه‌های مختلف و توزیع مطلوب‌تر درآمد فراهم آورد و این نشانگر افزایش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و افزایش تقاضا در داخل به موازات افزایش صادرات می‌باشد. هماهنگی تحولات عرضه و تقاضا و ایجاد رابطه پویا و پایدار بین این دو، زمینه را جهت تداوم و رشد همراه با متعادل تر شدن درآمدها و کاهش شکاف درآمدی فراهم آورده و ساختار اقتصادی را در برابر شوکهای درون‌زا و بیرون‌زا مقاوم ساخته و در نتیجه ثبات اقتصاد کلان فراهم آورده است. این دستاورد را نمی‌توان تنها حاصل به کارگیری راهبردهای مطلوب توسعه دانست بلکه انتخاب و به کارگیری راهبردها متناسب با شرایط تجهیز منابع و تخصیص منابع در این چهار کشور بوده است. به کارگیری سیاستهای جایگزینی واردات همراه با سیاست توسعه صادرات و تلفیقی از این دو سیاست در هر مرحله توسعه بیانگر این واقعیت است که چگونه و به چه میزان توانایی تجهیز منابع داخلی و خارجی و استفاده از این منابع در جهت جانشینی واردات به موازات توسعه صادرات در هر دو مرحله توسعه امکان پذیر گردیده. تا نیروهای عرضه و تقاضا در یک رابطه متقابل و پویا تکامل یافته در دراز مدت عمل نمایند.

هر چند شرایط تجهیز منابع و چگونگی تخصیص منابع در چهار کشور با توجه به وضعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی یکسان نبوده، اما راهبردهای توسعه و سیاستهای اقتصادی به کار گرفته شده در مراحل مختلف دارای برخی خصوصیات مشترک می‌باشد که شناخت آنها می‌تواند تجزیه و تحلیل راهبردهای توسعه و مراحل آن توسعه را آسانتر کند.

همانگونه که بررسی تک تک کشورها نشان می‌دهد این عوامل مشترک عبارتند از:

- ۱ - تلفیق موفق جانشینی واردات و توسعه صادرات؛
- ۲ - اعمال مدیریت بر منابع اقتصادی در سطح کلان، عملکرد هوشمندانه دولت در تجهیز منابع داخلی و خارجی در جهت توسعه اقتصاد بازار؛
- ۳ - سرمایه‌گذاری متمرکز به منظور تربیت نیروی انسانی در جهت تربیت نیروی انسانی مورد نیاز و افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید؛
- ۴ - استفاده وسیع و گسترده از منابع خارجی به خصوص سرمایه و تکنولوژی به منظور انتقال تکنولوژی؛
- ۵ - سیاست زدایی اقتصاد و به کارگیری سیاست مناسب اقتصادی به جای سیاست اقتصادی بر پایه ملاحظات سیاسی یا به زبان دیگر افزایش کیفیت مداخله، کاهش کمیت مداخله؛
- ۶ - به کارگیری سیاستهای مالی و پولی در خدمت افزایش سرمایه‌گذاری به خصوص سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛
- ۷ - کوشش در جهت استفاده از مزایای مقایسه منطقه‌ای در جهت رسیدن به تقسیم کار منطقه‌ای در شرق آسیا و همگرایی اقتصادی. (۲)

### جدول شماره ۱ - توزیع درآمد

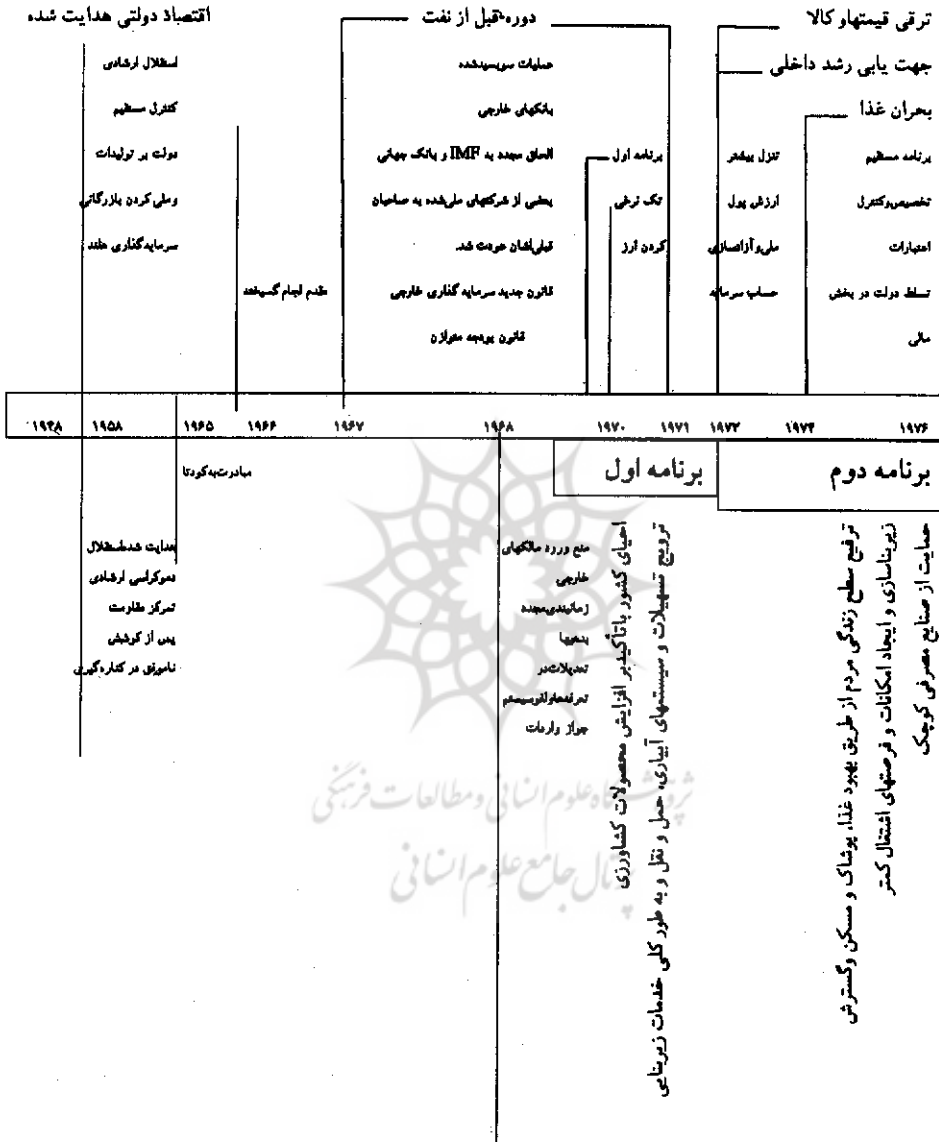
کشور	رشد GNP سرانه در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۵	سال	سهم درآمدی ۲۰ درصد خانوارهای کم درآمد	سهم درآمدی ۲۰ درصد خانوارهای پر درآمد	نسبت سهم ۲۰ درصد بیشترین به کمترین خانوارها
کره جنوبی	۷/۱	۱۹۷۶	۵/۷	۴۵/۳	۷/۹۵
تایوان	-	۱۹۷۶	۹/۵	۳۵/۰	۳/۶۸
اندونزی	۴/۵	۱۹۷۶	۶/۶	۴۹/۴	۷/۴۰
مالزی	۴/۰	۱۹۷۳	۳/۵	۵۶/۱	۱۶/۰۳
مالزی*		۱۹۷۸	۴/۶	۵۱/۲	۱۱/۱۰

\* اطلاعات مربوط به درآمد سرانه است.

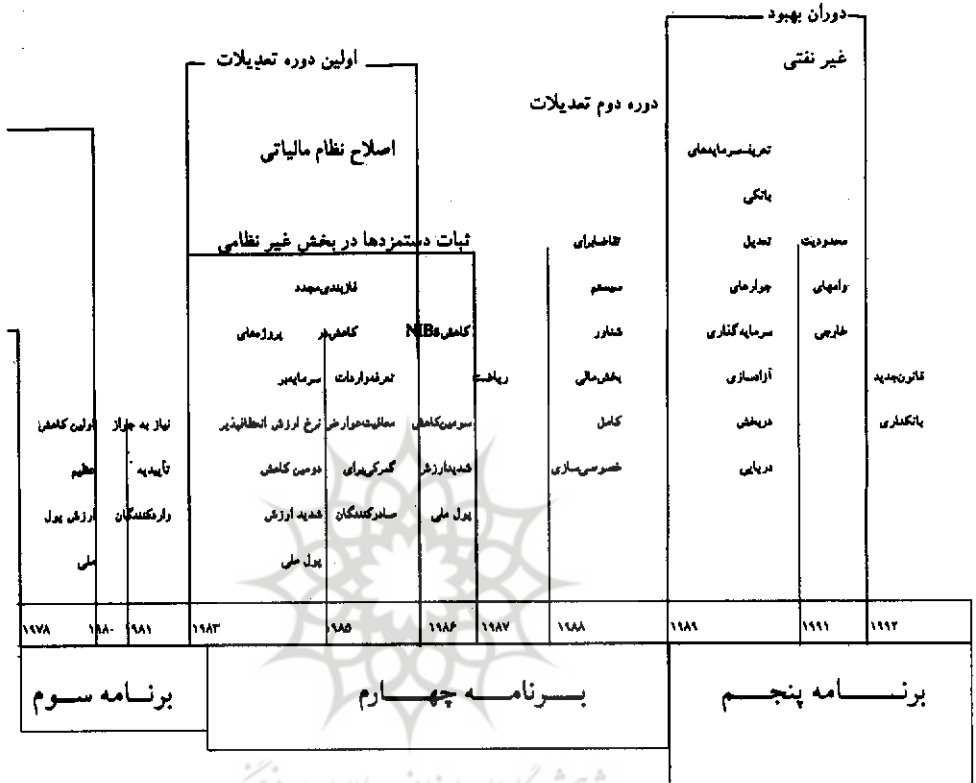








اندونزی



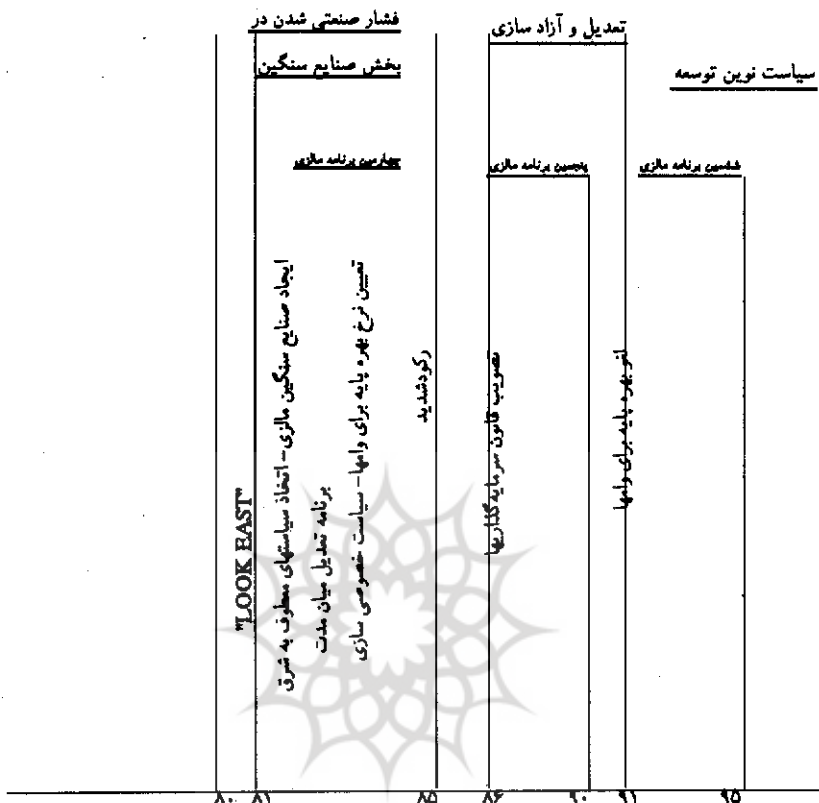
دستهای به رشد اقتصادی بالا و کاهش دستهای به نجات نسبی در اقتصاد  
 - افزایش حرکت به سوی آزادسازی اقتصادی و توسعه صادرات

فرهنگهای کثرت‌گرا  
 توسعه نیروی انسانی - کاهش آسایشی - توسعه صادرات  
 گسترش صادرات

تکمیل توسعه اقتصادی در تمامی  
 بخشهای در رده به فاز دیگری از توسعه

توسعه صنعتی  
 - تأکید شدید بر صادرات غیر نفتی

مالزی



سیاست نوین توسعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

source  
the last Asian  
miracle 150-151

توسعه براساس عملکرد بازار

توسعه براساس عملکرد بخش عمومی (دو)

سیاست نوین اقتصادی	
اتخاذ سیاستهای صادراتی	
سومین برنامه مالی	دومین برنامه مالی
قانون مناطق آزاد تجاری	قانون تشویق سرمایه‌گذاری - تشکیل سازمان توسعه صنعتی
تشکیل اداره تامین (تضمین) اعتبار - تعیین ارزش پول ملی براساس دلار آمریکا	تأمین کسب و کار و تعرفه و توسعه صنعتی
تغییر سیستم ارزی نرخ ثابت به نرخ انعطاف‌پذیر	تأمین کسب و کار و تعرفه و توسعه صنعتی
قانون جذب سرمایه‌گذاری - اصلاح قانون گمرکات	تأمین کسب و کار و تعرفه و توسعه صنعتی
رقم ملی - بانکهای بازرگانی اجازه یافتند نرخهای بهره را خودشان تعیین کنند	تأمین کسب و کار و تعرفه و توسعه صنعتی

اولین برنامه مالی

اولین برنامه مالی

دومین برنامه مالی

سومین برنامه مالی

حکم تشکیل صنایع پیشگام - تأسیس بانک مرکزی  
تأسیس هیات مشورتی تعرفه

دومین برنامه هفده ساله مالی

تأمین کسب و کار و تعرفه و توسعه صنعتی  
تشویق قانون تشویق سرمایه‌گذاری - تشکیل سازمان توسعه صنعتی

قانون مناطق آزاد تجاری

تشکیل اداره تامین (تضمین) اعتبار - تعیین ارزش پول ملی براساس دلار آمریکا  
تغییر سیستم ارزی نرخ ثابت به نرخ انعطاف‌پذیر  
قانون جذب سرمایه‌گذاری - اصلاح قانون گمرکات

رقم ملی - بانکهای بازرگانی اجازه یافتند نرخهای بهره را خودشان تعیین کنند

استقلال اتحاد چنانچه سیاسی مالیتی چینی و  
هندی که تا زمان استقلال  
استقلال قدرت داشتند

الحاق صیاح و ساراواک

زودخوردهای نژادی

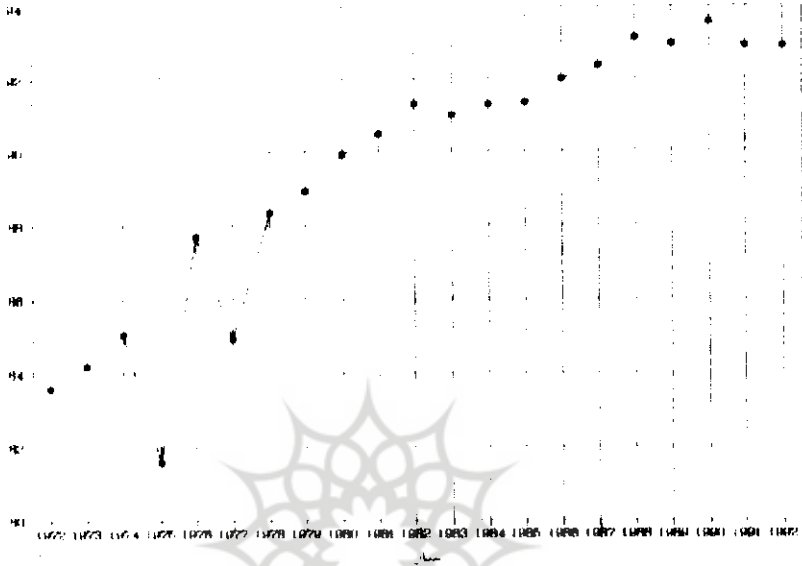
ضمیمه شماره ۴ (قسمت دوم)

## کره جنوبی

برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم	برنامه ششم
۱- تأمین منابع انرژی ۲- متعادل کردن ساختار اقتصادی کشور ۳- توسعه صنایع کلیدی و سرمایه‌های زیربنایی اجتماعی ۴- به کارگیری مؤثر از منابع بلااستفاده ۵- بهبود وضعیت تراز پرداختها ۶- توسعه تکنیکی	۱- خودکفایی در غلات و توسعه جنگلداری و ماهیگیری ۲- تشکیل پایه اولیه صنایع ۳- بهبودی وضعیت تراز پرداختها ۴- افزایش سطح اشتغال و جلوگیری از رشد جمعیت ۵- افزایش درآمد کشاورزان ۶- پیشرفت تکنولوژی و افزایش بهره‌وری تولید	۱- خودکفایی در محصولات عمده غذایی ۲- بالا بردن سطح زندگی در مناطق روستایی ۳- بهبود در وضعیت تراز پرداختها ۴- بهبود در ساخت صنعتی ۵- توسعه تکنولوژی و منابع انسانی ۶- گسترش سرمایه‌های زیر بنایی اجتماعی ۷- استفاده مؤثر از منابع ۸- افزایش رفاه عمومی	۱- تأمین منابع سرمایه‌گذاری داخلی ۲- دسترسی به موازنه تراز پرداختها ۳- افزایش رقابت پذیری بین‌المللی ۴- افزایش فرصتهای اشتغال و توسعه نیروی انسانی ۵- گسترش تعاونیهای روستایی ۶- بهبود شرایط زندگی ۷- افزایش سرمایه‌گذاری در علوم و تکنولوژی ۸- پیشرفت در مدیریت اقتصادی	۱- مهار تورم ۲- بالا بردن قدرت رقابت پذیری در صنایع سنگین ۳- تثبیت سیاست کشاورزی ۴- بهبود سیستم مالی ۵- غلبه بر مشکلات انرژی ۶- تعدیل عملکرد دولت و افزایش کارایی در مدیریت مالی	۱- افزایش قدرت رقابت و کاهش دخالت دولت در اقتصاد ۲- توسعه متوازن منطقه‌ای ۳- توزیع متعادل ثروت ۴- پیشرفت تکنولوژیک و آموزش نیروی کار متخصص
اتحادسیاست جایگزینی واردات	سیاست جایگزینی واردات فائزبهررفته	نتایج حاصل از اتحادسیاست جایگزینی واردات و شوک‌وفایی مشکلات ناشی از آن و تغییر راهبردهای توسعه اقتصادی	اتحاد راهبرد توسعه صادرات	تداوم اتحاد سیاست توسعه صادرات و توسعه آن به تمامی مرتبطها و کسب مزیت‌های جدید	«رشد از طریق ثبات» اتحاد سیاست‌های نوین

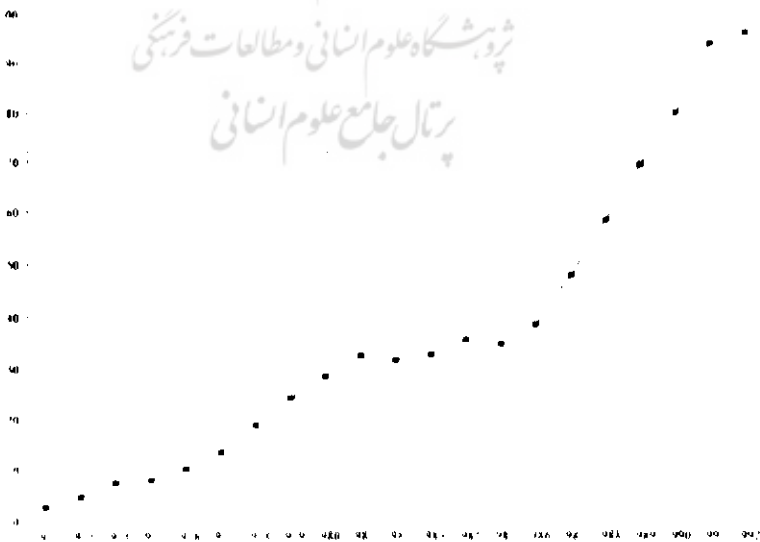
دوره رشد سریع  
اقتصادی

سهم تولیدات کارخانه‌ها در صنایع

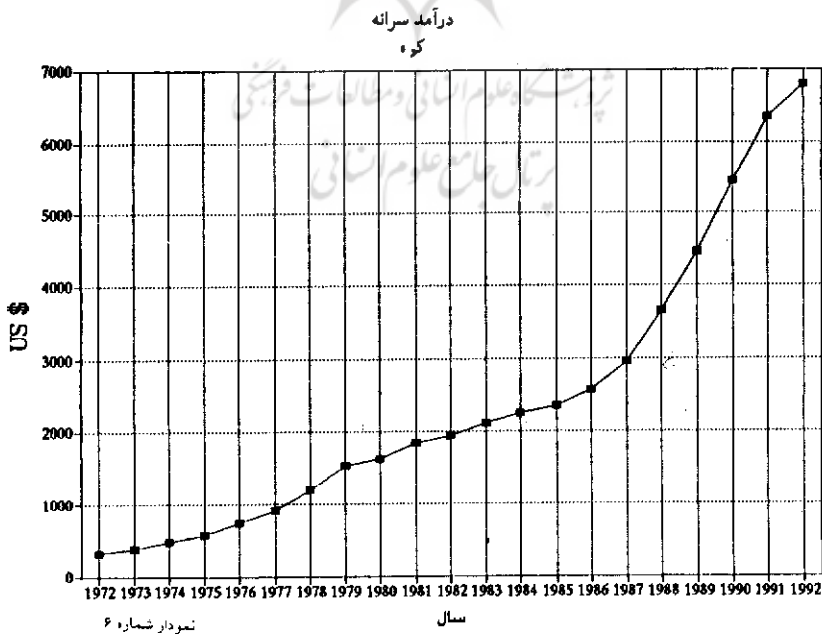
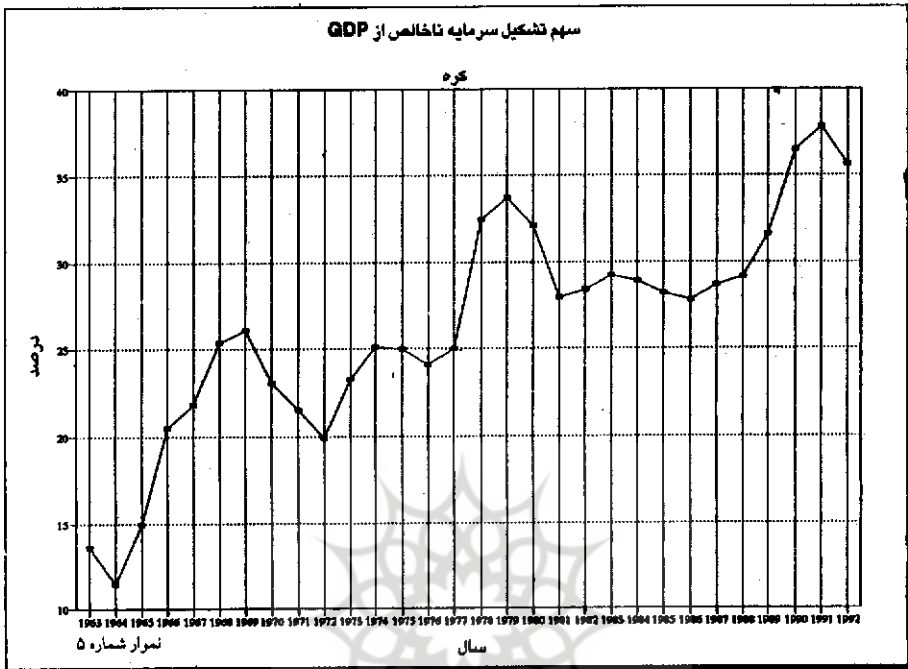


واریات خالص و خدمات  
کرد عمومی

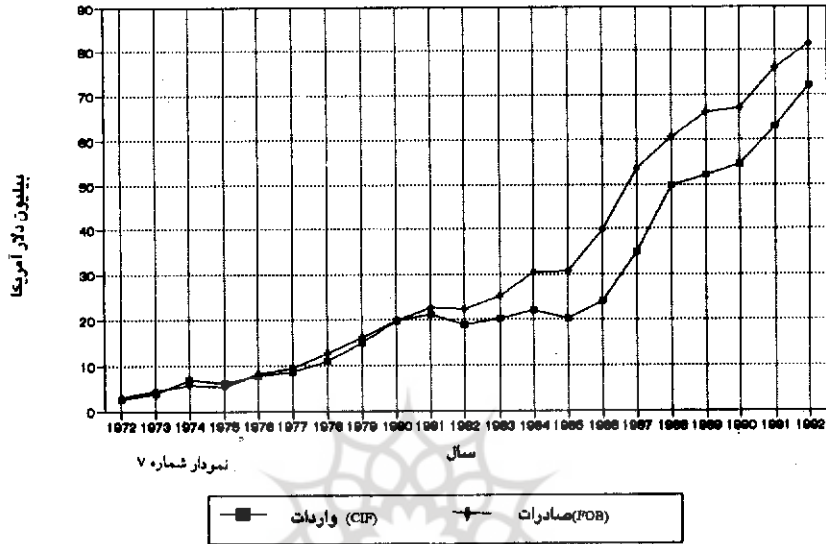
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



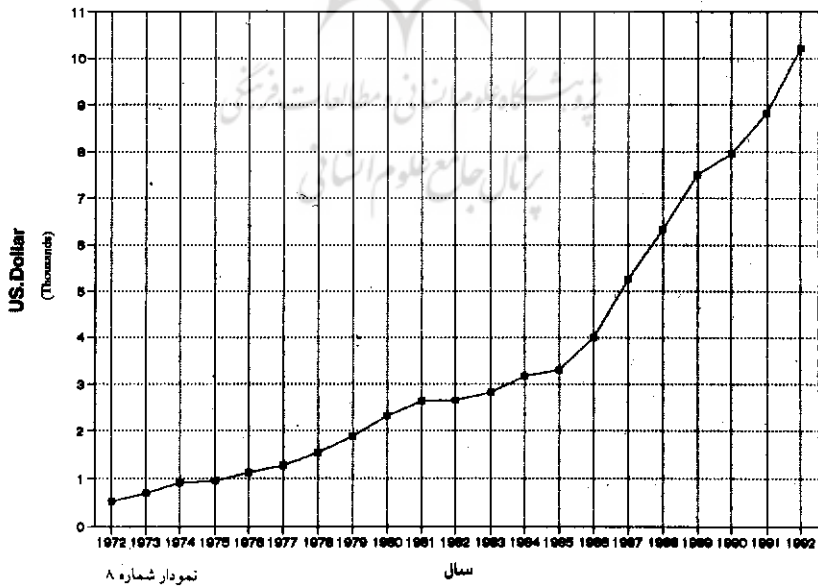




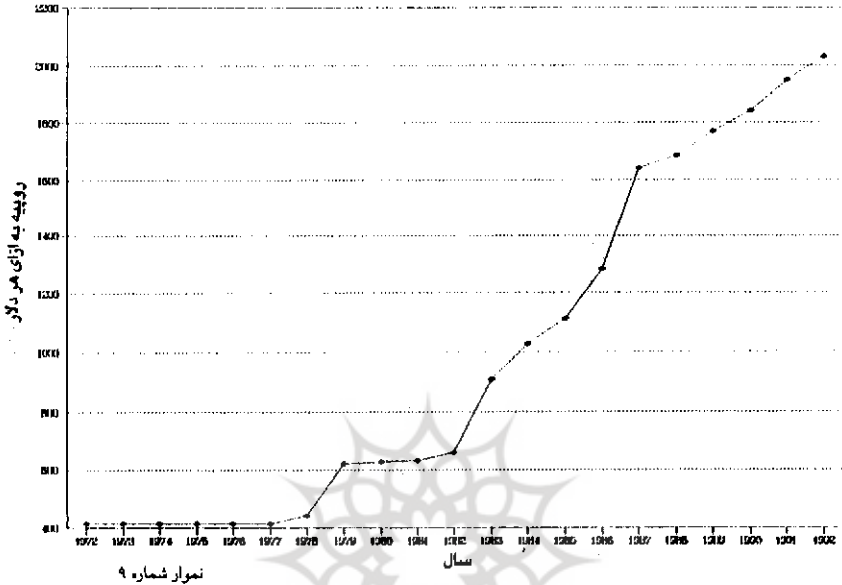
تایوان  
صادرات و واردات



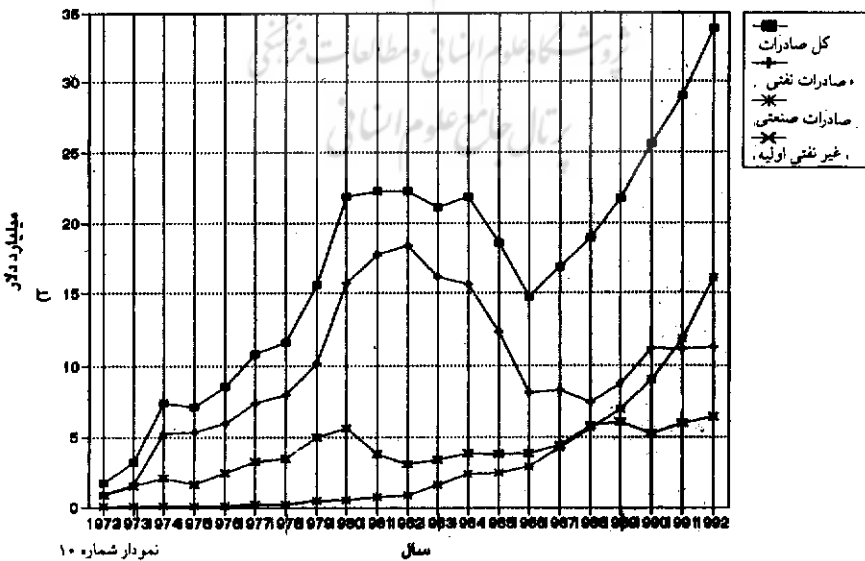
درآمد سرانه  
تایوان



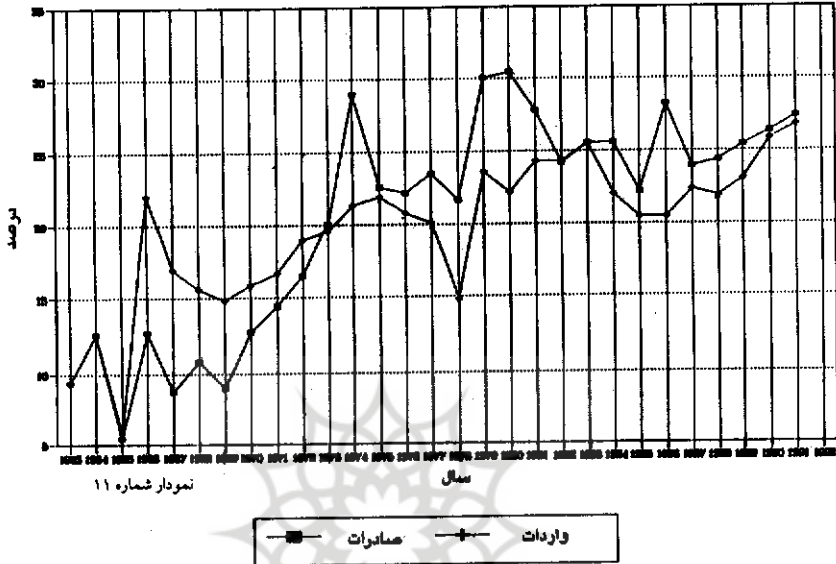
نرخ ارز (متوسط سالیانه)  
اندونزی



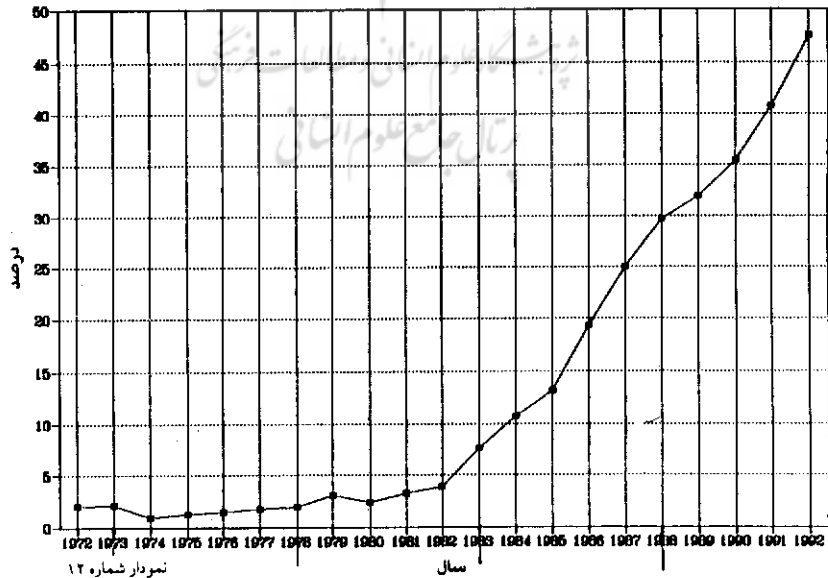
صادرات اندونزی  
(۱۹۷۳-۱۹۹۳)



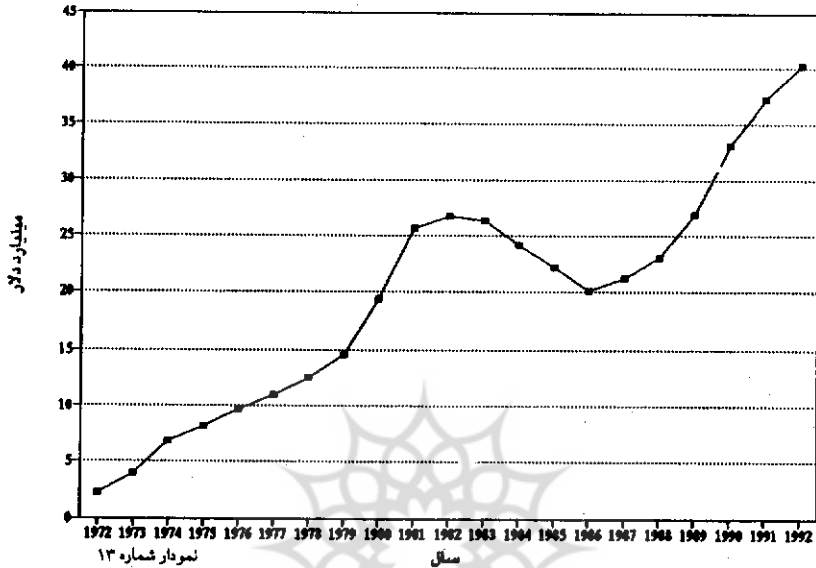
سهم صادرات و واردات از GDP  
اندوژی



سهم تولیدات کارخانه‌ای در صادرات  
اندوژی



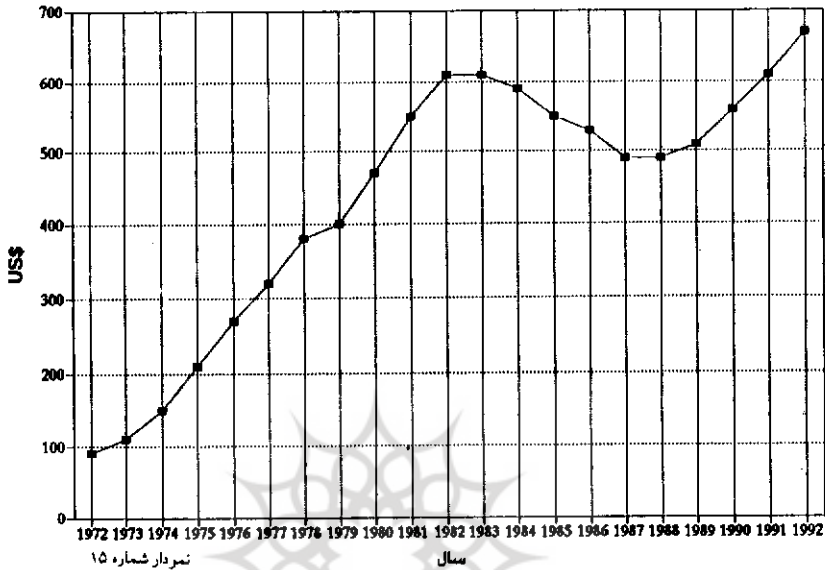
واردات کالا و خدمات  
اندونزی



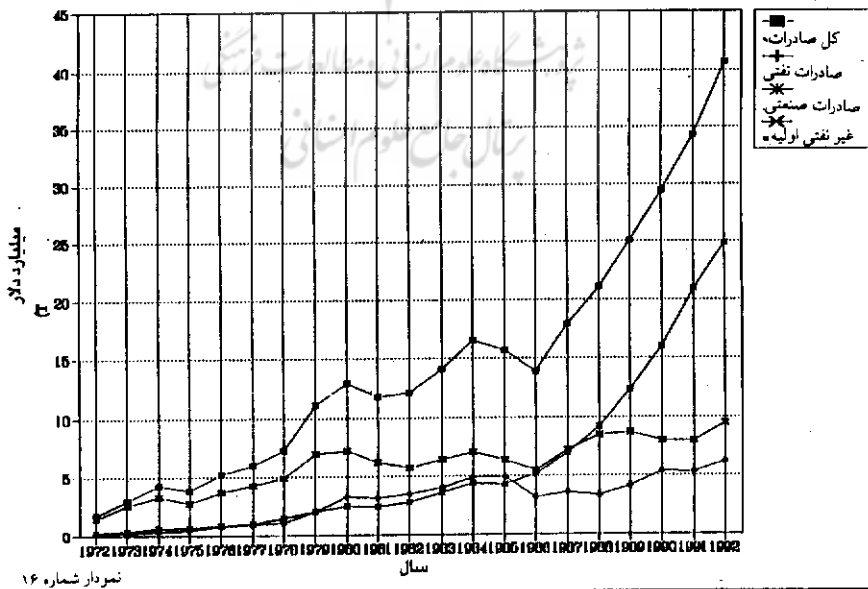
سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP  
اندونزی



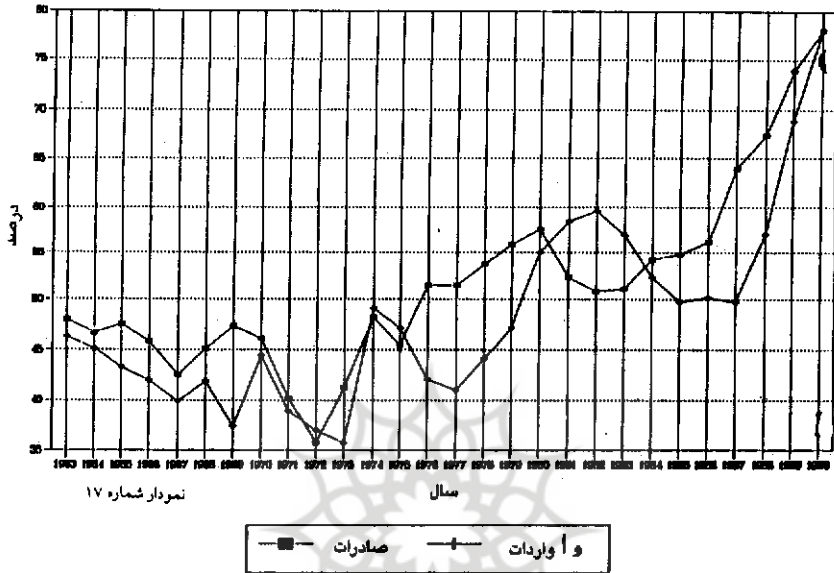
درآمد سرانه  
اندونزی



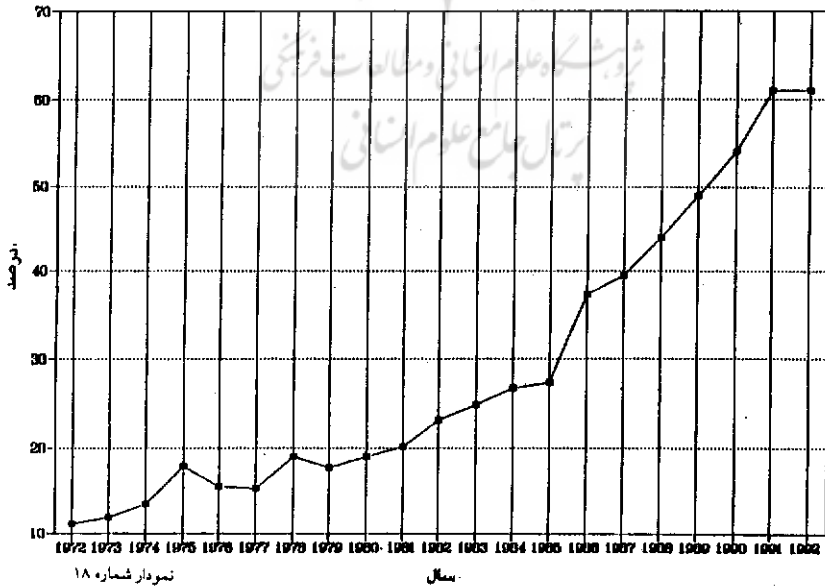
صادرات مازی  
(۱۹۷۳-۱۹۹۲)



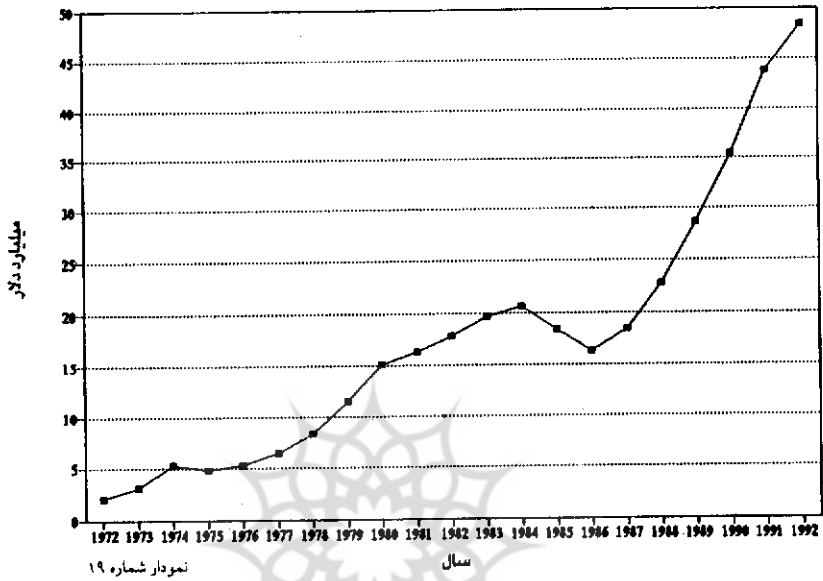
سهم صادرات و واردات از GDP  
مالزی



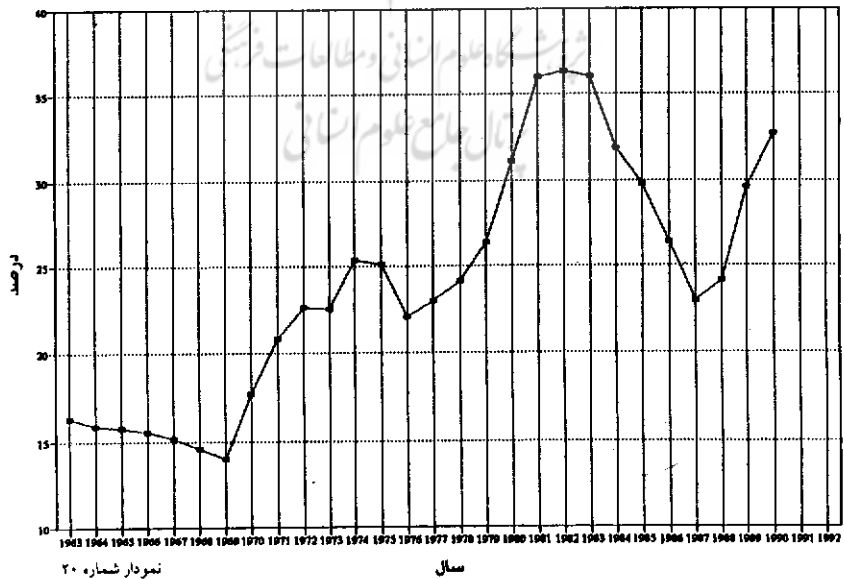
سهم تولیدات کارخانه‌های در صادرات  
مالزی



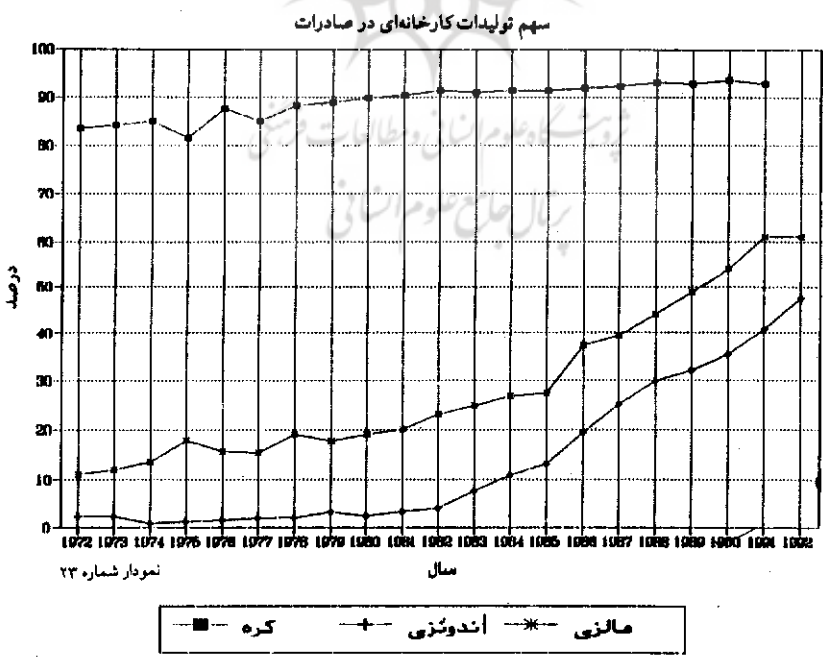
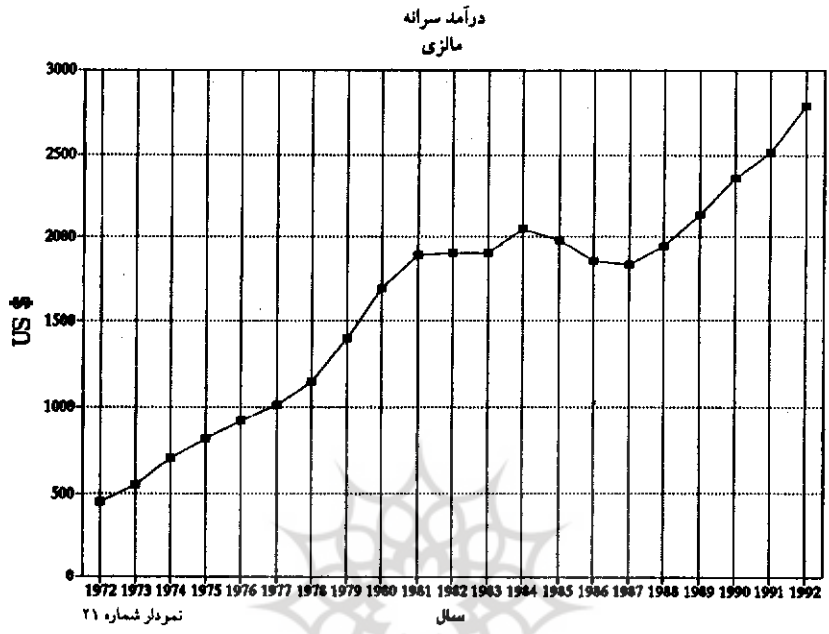
واردات کالا و خدمات  
مالزی

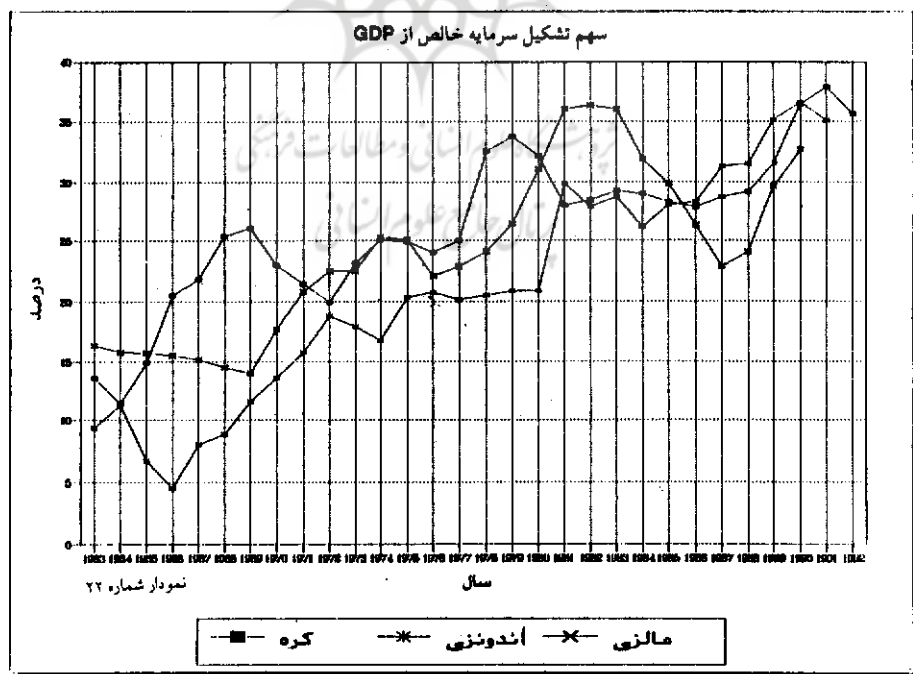
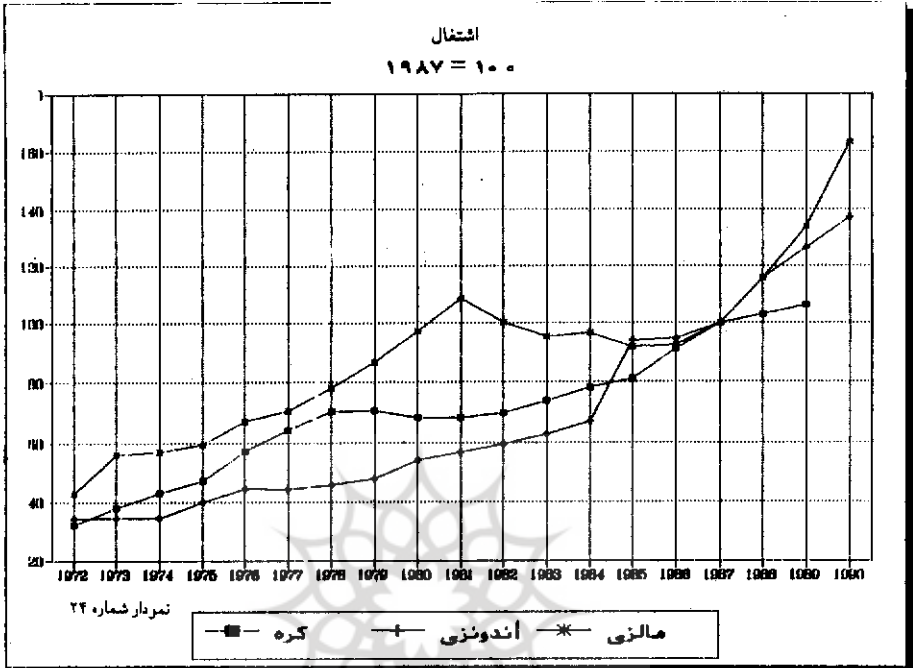


سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP  
مالزی









## یادداشتها

۱) به دلیل خروج تایوان از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی آمار رسمی و موثقی مانند آنچه در **IFS** و گزارشهای بانک جهانی به چشم می‌خورد موجود و قابل دسترسی نبوده است.

۲) در تهیه این مقاله از منابع ذیل در هر قسمت استفاده شده است:

### کره جنوبی

#### الف - منابع فارسی

۱ - کره جنوبی: نظری اجمالی به کشورها شماره ۳۹ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۶).

۲ - کره جنوبی: نظری اجمالی به کشورها شماره ۳۹ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۲).

۳ - بلابالاسا، استراتژیهای توسعه در کشورهای نیمه صنعتی: تحلیل تطبیقی، ترجمه: محمد علی حقی.

۴ - دکتر امیرباقر مدنی، استراتژیهای توسعه اقتصادی.

۵ - اولویتهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه، مترجم بایزد مردوخ.

۶ - مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی (تهران: سازمان برنامه و بودجه).

۷ - گزیده مسایل اقتصادی اجتماعی - شماره های ۱، ۲، ۵ و ۷.

۸ - اسناد موجود در آرشیو وزارت امور اقتصادی و دارایی (معاونت امور بین‌الملل).

۹ - اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه.

#### ب - منابع لاتین

1- *International Financial Statistics*, November 1994.

2- H.Rhee, *Structural Change in Korea's Balance of Payments*.

3- Y.W.Rhee, *Export Policy and Administration in Developing Economics Edges* (World Bank University).

اندونزی

الف - منابع فارسی

- ۱ - مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۲-۸۱، (خرداد و تیر ۱۳۷۳).
- ۲ - روزنامه اطلاعات ۲۱، ۲۲ و ۲۳ (مهرماه ۱۳۷۳).
- ۳ - مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۱، (مرداد ۱۳۶۹).
- ۴ - مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۶، (اردیبهشت ۱۳۷۰).
- ۵ - ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۵، ۷، ۸، ۱۶ و ۱۸ آبان ۱۳۷۳.
- ۶ - محمد کردزاده کرمانی، توسعه اقتصادی در اندونزی، (تهران: وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۲).
- ۷ - محمدرضا مظفری، اندونزی، (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲).
- ۸ - اندونزی، از سری انتشارات نظری اجمالی به کشورها، (مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، دی ماه ۱۳۶۶).
- ۶ - جهان اقتصاد، شماره‌های ۱۴۰ و ۱۴۱، ۳۰ مهر و ۱ آبان ۱۳۷۳، ریشه‌های موفقیت اقتصادی کشورهای آسیای شرقی.
- ۷ - مرکز آمار ایران، آمارهای منتخب آسیا و اقیانوسیه، ۱۹۸۷، ۸۸، ۸۹ و ۹۱.

ب - منابع لاتین

- 1- Economist Intelligence Unit (EIU), *Country Report*, 1992.
- 2- *International Financial Statistics Yearbook* (IFS), (Washington: IMF, 1994).
- 3- *Report for the Financial Year 1990-91*, Bank Indonesia.
- 4- *International Economic Insights*, Several Numbers,

1993,1994.

5- *IMF Survey*, Several issues.

6- *A Proposal to Set up Ceramic Industry in Indonesia*, IMCOS, 1989.

7- *Wirtschaftspolitische Nachrichten*, Vol. 13.05.1994, NO.19.  
and Vol. 23.09.1994, No.38.

8- *Indonesia Handbook 1993*.

9- *Indonesia Handbook 1994*.

10 - *Third World Economic Handbook*.

11 - *The East Asian Miracle*, World Bank.

## تایوان

### الف - منابع فارسی

۱- محمود محبوب و فرامرز یاوری، (گردآورنده)، گیتا شناسی کشورها، تایوان.

۲- مقایسه کره جنوبی و تایوان - ترجمه مجدالدین غیاثی

بر اساس GUK-YUENG-YI

*Economics*, 1989 - Vol 39.

۳- نگرشی بر راهبرد توسعه اقتصادی تایوان - تألیف کارشناس امور بین الملل علی زاده.

۴- تایوان - از سری انتشارات نظری اجمالی به کشورها - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

### ب - منابع لاتین

1- *The Evolution of Policy Behind Taiwan's Development Success*.

2- *The East Asian Miracle* (Washington: World Bank,1994).

### مالزی

1- *Industrial Development Review Series UNIDO, Malaysia*  
IEIU - 1994.

2- *Unido, Malaysia, Sustaining the Industrial Investment*  
*Momentum.*

3- *Economic and Social Survey of Asia and Pacific*, 1989.

4- *Handbook of Industry and Development*,1990.

5- *World Development Report*, 1991.

6- *UNIDO, Industrial Development Review Series - Malaysia*

7- *Industry and Development, Global Report 1990-91.*

8- *Handbook of Industrial Statistics 1990.*

9- *Economic and Social Survey of Asia and the Pacific 1989.*

10- *World Development, Global Report , 1990-91.*

11- *Industry and Development, Global Report, 1988-89.*

12- *EIU, World Out Look, 1992.*